

هفته شکست های نظامی پی در پی رژیم

*** ارتش عراق دهلران اشغال شده و راتخلیه کرد**

*** عراق در منطقه زبیدات دست به پیشروی زد. ۲۰۰۰۰۰ سرباز ایرانی در این منطقه کشته و یا زخمی شدند**

هفته گذشته، هفته شکستهای نظامی پی در پی رژیم بود. جنگ در همه جبههها از جنوب گرفته تا شمال جریان داشت و عراق نتوانست در همه جبههها پیشروی کند. این شکستهای پی در پی به شدت بر در ماندگی رژیم افزودند و ضربه روانی سختی را بر ماشین جنگی وارد آوردند. فرار از جبههها شدت گرفته است و اکنون وضعیت به گونه ای در آمده است که عراق در هر نقطه ای که بخواهد به راحتی می تواند دست به پیشروی بزند.

عراق در روز یکشنبه ۱۹ تیر (۱۵ ژوئیه) به پیشروی خود در جبهه شمالی ادامه داد و توانست چند بلندی سوق الجیشی تازه را فتح کند. پیشروی در این جبهه در روز بعد نیز ادامه یافت. عراق در روز سه شنبه ۲۱ تیر اعلام کرد که شهر حلبچه را پس گرفته است. رژیم شکست حلبچه را یک عقب نشینی ارادی - که زمینه ساز پیروزی های بعدی خواهد بود - اعلام کرد. در این روز نبردهای خونینی در منطقه زبیدات

جریان داشت. عراق توانست پس از یک درگیری خونین این منطقه را که ۶ سال پیش به تصرف جمهوری اسلامی در آمده بود، پس گیرد. عراق بلافاصله پس از پیشروی در زبیدات شهر دهلران را نیز به تصرف خود در آورد. عراق اعلام کرده است که در این منطقه ناحیه ای به وسعت ۴۰۰۰ کیلومتر مربع را تصرف کرده است. جنگ زبیدات، جنگی بسیار خونین بوده است. عراق می گوید در این منطقه ۲۰۰۰۰۰ سرباز ایرانی را کشته و یا زخمی کرده و ۷۲۰۰ نفر اسیر گرفته است. عراق اعلام کرد با پیشروی نیروهایش در این منطقه دیگر هیچ خطری جاده استراتژیک بصره به بغداد را تهدید نمی کند و اکنون در جبهه جنوبی دیگر هیچ نقطه ای از خاک عراق در تصرف جمهوری اسلامی نیست.

در روز چهارشنبه ۲۲ تیر پیشروی عراق در جبهه شمالی پس از تصرف حلبچه ادامه یافت و نیروهای عراقی توانستند چند بلندی بقیه در صفحه ۳



دوشنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۷ برابر ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۱۶

رژیم عاجزانه می پرسد:

چه شده است و چه باید کرد؟

اطلاعه هیات دولت در روز سه شنبه ۲۱ تیر نشاندهنده همی درماندگی رژیم در مرحله شکستهای نظامی پی در پی است. اطلاعات به این سوال آغاز می شود که "چه شده است و چه باید کرد؟" سوال "چه شده است" را پیش از هیات دولت، خامنه ای چنین داده بود: "عقب نشینی (!) مادر فائو و شلمچه و فیره دارای هواپل و هلت های یکی دو ساله است و یک امر مقطعی نیست." (کیهان - ۱۱ تیر) آری، شکستهایشان دارای هلت ریشه ای است، اتفاقی نیست و ادامه خواهد یافت. آنها مذبذبه می گوشتند تا در تبلیقاتشان این هلت را صرفاً خارجی جلوه داده و مذلت درونی خود را پوشیده نگه دارند. در پاسخ به پرسش "چه باید کرد؟" همچنان بر روی تداوم جنگ و بسیج نیرو برای رسیدن به "پیروزی نهایی" (!) تاکید می کنند. در این زمینه درونشان درگیری حادی جریان دارد، آنهم نه از این زاویه که جناحیشان صلح طلب شده و یا از خیر جنگ گذشته است. موضوع مورد بحث در درون آنها موضوع بقاست دستهای بر تداوم جنگ به صورت پیشین تاکید می کند و دستهای دیگر بوی توفان را حس کرده و نگران موجودیت رژیم در صورت تداوم بقیه در صفحه ۲

تا چند روز دیگر ۱۰ زندانی سیاسی تیرباران خواهند شد جهانیان را به نجات جان محکومین به اعدام فراخوانیم!

انوشیروان لطنی که به همراه دو مبارز دیگر از سازمان مجاهدین خلق و اتحادیه کمونیست ها در روز ۶ خرداد ماه در برابر جوخه تیرباران قرار داده شدند نیز شورا عالی قضایی اطلاعیه مشابهی منتشر ساخته بود. با اطلاعیه اخیر شورا عالی قضایی خبر اعدام های جمعی قریب الوقوع قطعیت یافته است. شاید خبر اجرای این بقیه در صفحه ۶

در روز یکشنبه ۱۹ تیر ماه طی اطلاعیه ای خبر اعدام قریب الوقوع ده تن از محکوم شدگان را تأیید کرد. در این اطلاعیه آمده است "شورا با عنایت به مستندات پرونده و نیز تأیید دادگاه عالی، احکام صادره در مورد اعدام ۱۰ تن از این مفسدين را تنفیذ کرد و حکم به اجرا داد." (کیهان - ۲۰ تیر ۶۷) دو هفته قبل از اعدام رفیق

فتحای تبهکار یکبار دیگر قصد جان گروهی از فرزندان خلق را کرده اند. آنها که زندانیان سیاسی را گروهان های خود می دانند، از سر خشم ناشی از درماندگی فزاینده، کمر به قتل این پاکترین فرزندان مردم بسته اند. مطابق آخرین اخبار احکام اعدام ۲۴ تن دیگر از زندانیان سیاسی توسط دادگاههای اسلامی صادر شده است. شورا عالی قضایی

کابینه، موضوع جدید کشاکش مجلس و شورای نگهبان

مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۲۲ تیر ماه هدم لزوم اجرای مفاد ماده ۱۴۵ آئین نامه داخلی مجلس را به تصویب رساند و بر این اساس میر حسین موسوی را از اجبار اخذ رای اعتماد برای یکایک اعضای کابینه اش معاف کرد. نفی لزوم اجرای ماده ۱۴۴ و ۱۴۵ آئین نامه داخلی مجلس، که به موجب آن نخست وزیر موظف است تا یک هفته بعد از گرفتن رای اعتماد، کابینه خود را به مجلس معرفی کند، در واقعیت امر حلقه بعدی سلسله اقدامات جناح طرفداران دولت بر بستر بحران سیاسی درون حکومتی به حساب می آید. بدین ترتیب بحران سیاسی حکومت که از همان نخستین روزهای سال جاری حول مسائل مربوط به انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی، موضوع رای اعتماد

به "دولت خدمتگزار" و کابینه وی حدت گرفته بود، هفته گذشته وارد مرحله جدیدی شد، اعمال نیروی مشخص "ولی فقیه" در جنگ وجدل درون حکومتی که خود را در دستور مختومه اعلام کردن پرونده انتخابات مجلس دوره سوم، در تأیید انشعاب جامعه روحانیت مبارز تهران، و بالاخره در تثبیت مقام نخست وزیری میر حسین موسوی متجلی می ساخت، اما تا در به مختومه اعلام کردن پرونده جنگ قدرت و بحران سیاسی نبود. گرچه مخالفین زیر فشار فرامین هالیه "ولی فقیه" پا پس کشیدند و سکوت کردند، اما بنیاد مخالفت و اساس مخالفت بر جای ماند. جنگ بر سر انتخابات و جنگ بر سر پست نخست وزیری، اینک به جنگ بر سر اعضای بقیه در صفحه ۳

در این شماره

*** نامه ای از همسر یک فدایی شهید**
در صفحه ۶

*** بسیج جنگی بی ثمر است**
در صفحه ۲

*** نقش احزاب کمونیست در اروپای غربی**

در صفحه ۱۲

رژیم عاجزانه می پرسد:

چه شده است و چه باید کرد؟

بقیه از صفحه اول

وضعیت بحرانی فعلی است. اکنون تبلیغات گروه‌بندیها بر روی پیش برد جنگ متمرکز است این عامل نباید باعث شود که درگیری‌های درونی رژیم را بر سر نحوه پیشبرد جنگ از نظر دور داریم و از جایگزین شدن یک سیاست به جای سیاست دیگر، یا امتزاج معینی از آنها غافل بمانیم. خط‌سپهسالار رژیم را از این زاویه باید پی گرفت. او اخیراً در مصاحبه‌ای اعلام کرد: "ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح جو معرفی کند. خطبا و مسئولان تبلیغاتی ضمن تاکید بر ادامه نبرد تا پیروزی باید مواظب باشند از این ترفند استکبار جهانی جلوگیری کنند. بنابراین هرگاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به میان می‌آید، بر موضوع لزوم ختم جنگ از راه غیرنظامی هم تاکید شود."

(کیهان ۱۲- تیر). بر مبنای همین خط‌است که رفسنجانی کوشید از "تندروی حزب الله" پس از به‌وشک بستن هواپیمای مسافربری ایران از سوی آمریکا جلوگیری کند و آنگونه که همه مطبوعات غربی نوشتند، سیاست "معتولی" داشته باشد. در هفته قبل روزنامه واشنگتن پست این سیاست چهره اصلی رژیم خیمینی را برجسته ساخت و در ضمن به سیاست دو وجهی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی اشاره کرد. یک وجه این سیاست مقابله جویی به شکل فرستادن ناوگان جنگی به منطقه است و وجه دیگر آن بازکردن باب رابطه با جانشینان خیمینی است. آن سیاست "معتولی" می‌تواند با این سیاست "معتولی" انطباق یابد و بدینسان به نوشته واشنگتن پست مشکلات موجود در روابط تهران و واشنگتن برطرف گردد.

این "معتلانیست" به سادگی نمی‌تواند اراکه زوار در رفته رژیم اسلامی را به دنبال بکشد و نفس مطرح شدن آن نشان دهنده عمیق‌ترین بحرانها در کل دوران موجودیت رژیم خیمینی است. در چنین شرایطی برای مردم نیز این سؤال مطرح است که "چه شده است و چه باید کرد؟" تحول اساسی در وضعیت بستگی بدان

دارد که مردم سریع‌تر از رژیم بدین سوال پاسخ گویند و این پاسخ را در حرکات گسترده مادیت بخشند.

چه شده است؟ در کشور ما رژیمی بر ویرانه‌های انقلاب بر تخت نشسته که سرکوب و اختناق رکن اساسی هویت آن است. این رژیم رنج و محنت زندگی کارگران و زحمتکشان کشور را صدچندان ساخته و موجودیت خود را با سرکوب خلق‌ها، با به‌خون کشیدن مبارزات مردم و با انباشته کردن زندانها و اعدام هزاران نفر از انقلابیون و آزادیخواهان حفظ کرده است. این رژیم زنان را به بند کشیده، هر اندیشه مخالفی را سرکوب کرده و ضمن حفظ و تحکیم استیلای سرمایه‌داری، فضای قرون وسطی را در کشور ما سیطره بخشیده است. این رژیم هشت سال است که هست و نیست کشور را بر سر جنگ نهاده است. بر اثر این جنگ کمتر خانواده‌ایست که عزادار نشده باشد. اکنون رژیم پیاپی در حال شکست است. این شکست‌ها نه اتفاقی‌اند، نه عقب‌نشینی تاکتیکی‌اند و نه با مهارت جنگی و امکانات نظامی عراقی‌ها قابل توضیحند. این شکست‌ها، شکست جنگ است و شکست رژیمی است که بر طبل جنگ می‌کوفت و می‌کوبد.

چه باید کرد؟ تشدید مبارزه علیه رژیم. توضیح وسیع این موضوع که عاقبت "فتح موعود" توضیح این که رژیم قاتل هر آن کسی است که در جبهه به خاک افتاد. توضیح این که رژیم مسبب همه بدبختی‌هاست، مسبب تهی بودن سفره مردم است، مسبب فقر و بیکاری دامن گستر است، مسبب همه فسادهای اجتماعی است. اکنون رژیم باید تقاص پس دهد. از وضعیت موجود باید وسیع‌ترین بهره‌گیری را به‌عمل آورد. در هفته‌ها و ماه‌های جاری مبارزه باید بتواند وارد مدار بالاتری گردد.

این پاسخ‌ها را باید وسیعاً به میان مردم برد. باید به وسیع‌ترین اتحادها برای تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم، تجسم واقعی بخشید. باید با تمام وجود در سازماندهی مبارزه کوشید و فرصت چاره جویی نداد.

بسیج جنگی بی‌ثمر است

وظیفه اضافه کرده‌ایم. این روش با روح جنگی به این وسعت سازش ندارد. در همه دنیا هنگام جنگ ذخیره‌ها را به تدریج فرا می‌خوانند. باید روی این روش‌ها با تکیه به قوانین جدید کار شود." (کیهان ۱۲- تیر)

در همین رابطه رئیس نظام وظیفه ضمن اعلام این که برای پیگرد سربازان فراری و مشمولین غایب "شناسنامه متولدین ۳۸ تا ۴۵ تعویض می‌شود" تاکید کرده است: "با تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا و وضع جدید ایجاب می‌کند که نیروهای منظم بیشتری در صحنه حاضر شوند که البته در قانون خدمت وظیفه همومی، نحوه احضار افراد مورد نظر پیش‌بینی شده و در هر لحظه که فرمانده کل نیروهای مسلح تصمیم بگیرد و فرمانش را ابلاغ کند، سریعاً این نیروها احضار خواهند شد. در حال حاضر خدمت دوره ضرورت در ایران ۲ سال است که اخیراً ۴ ماه اضافه شده است که طبق ماده ۱۷ قانون نظام وظیفه در صورت تصویب فرماندهی نیروهای مسلح این مدت را می‌توان به هر میزان که برای رفع نیاز نیرو لازم باشد، اضافه کرد." وی افزود: "هم‌اکنون که طرح تعویض شناسنامه در دست اجراء است به نحوی خواهد بود که تا چند ماه دیگر کلیه افراد مشمول غایب در کشور بی‌شناسنامه خواهند بود و با طرح‌های تکمیلی دیگری که در دست بررسی است، هر فردی که اوراق هویتی یا اوراقی که مبنی بر انجام خدمت وظیفه بودن، در اختیار نداشته باشد، دستگیر می‌شود." (کیهان ۱۲- تیر)

توسل به این تمهیدات نشاندهنده درماندگی رژیم و مقاومت مردم است. توسل به بگیر و بند گسترده، نفرت مردم از جنگ و رژیم را بیشتر دامن خواهد زد. مقاومت مردم همه این تمهیدات مذکور را بی‌نتیجه خواهد کرد.

هر روز فتوا و فرمان می‌دهند که همه باید به جبهه بروند. تمام دستگاه تبلیغاتی رژیم بسیج شده است که وضعیت جنگی پررنگ جلوه کند تا شاید بسیج جنگی موثر باشد. در صدر خبرها، خبرهای مربوط به اعزام نیرو به جبهه را قرار داده‌اند. اما خبرها هم‌داست پوچند. حربه تبلیغات اساسی‌تر است. حتی پاسداران و بسیجی‌های حرفه‌ای از رفتن به جبهه‌ها سرباز می‌زنند.

سران رژیم چاره را در تشدید بگیر و بند دیده‌اند. بنا را بر آن گذاشته‌اند تا علاوه بر تشدید فشار بر روی نیروهای کادر، سربازگیری را شدت بخشند، بر طول مدت سربازی بیفزایند و نیروهای احتیاط را نیز با زور سرنیزه به جبهه بفرستند. رفسنجانی، سپهسالار رژیم، بر این تمهیدات، سازماندهی جدید جنگی نام نهاده است. این نامگذاری، تنها تلاشی است برای پرده‌پوشی بر روی بی‌ثمر بودن بسیج‌های جنگی.

رفسنجانی اخیراً برنامه‌های جدید رژیم برای تشدید بخشیدن به سربازگیری و افزودن بر طول مدت سربازی را چنین بیان داشت: "در برنامه درازمدت در مرحله جدید، بهره‌گیری از مشمول بیشتر و فراخوانی نیروهای نظامی از همه مراکز و آوردن سربازهای وظیفه بیشتر است. ما باید نیروی رزمی ثابت را در جبهه زیاد کنیم و نیروی بسیج و داوطلب را برای مقاطع مخصوص نگاه داریم برنامه ما می‌تواند به صورت فراخوانی نیروهای منقضی و نیز تمدید دوره خدمت سربازی باشد. در این مورد داریم کار می‌کنیم. نمی‌توان به این متکی بود که مانند زمان صلح سرباز بگیریم. عراقی‌ها در تمام دوران جنگ هیچ سربازی را مرخص نکرده‌اند. در صورتی که ما تنها اخیراً چهار ماه به خدمت نظام



کشتگان را خاک کرده‌اند. جای آنان را می‌خواهند پر کنند.

جنایتکارهای متقابل

آوران دربان از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است. بر اثر این حمله یک نفر کشته شده و ۱۵۰ نفر زخمی شده اند.

«هراق نیز متقابلاً اعلام کرد که جمهوری اسلامی علیه چند پایگاه نظامی عراق سلاحهای شیمیایی به کار برده است. هم اکنون هیاتی از سازمان ملل در بغداد به سر می برد و در حال بررسی شکایت هراق در مورد کاربست سلاحهای شیمیایی از سوی رژیم خمینی است.

«هراق در آغاز هفته گذشته اعلام کرد که رژیم خمینی گروهی از اسیران جنگی عراقی را که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت (۱۵ ماه مه) در جبهه ماوات به اسارت گرفته بود، کشته است. طارق عزیز، وزیر خارجه هراق در این رابطه نامه ای به دبیر کل سازمان ملل نوشت و خواهان رسیدگی به وضعیت اسرای عراقی در ایران شد.

«جمهوری اسلامی اعلام کرد که هراق در حمله به یک اردوگاه

هفته شکست های نظامی پی در پی رژیم

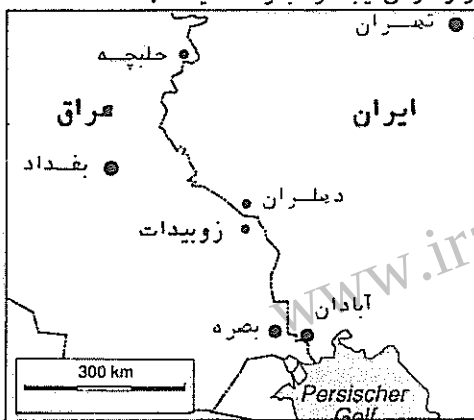
و حشت می کردند. اکنون خطر از سرگرفتن جنگ شهرها نیز به صورت یک خطر جدی درآمده است.

روز یکشنبه اعلام شد که ارتش هراق شهر ایرانی دهلران را تخلیه کرد و به پشت خط مرزی بازگشت. خروج نیروهای عراقی از مناطق اشغالی در این منطقه، پس از درهم کوبیده شدن استحکامات ارتش ایران صورت گرفت.

در روز یکشنبه همچنین اعلام شد که مقامات عالی رژیم خمینی به اتفاق فرماندهان نظامی جلسه مشترکی تشکیل دادند. از نتایج این جلسه هنوز اطلاعی در دست نیست.

بقیه از صحنه اول سوق الجیشی مشرف به این شهر را تصرف کنند. در این روز در دیگر نقاط مهم جبهه های مرکزی و جنوبی نیز درگیری های خونین ادامه یافتند. هراق علاوه بر تصرف دهلران در ناحیه حاج همران نیز پیشروی مهمی داشت. در روز پنجشنبه ۲۳ تیر جمهوری اسلامی با عنوان این که «رزمندگان اسلام در منطقه عمومی حاج همران در مواضع پدافندی جدیدی مستقر شدند»، به شکست در جبهه حاج همران نیز اعتراف کرد.

در هفته گذشته هواپیماهای عراقی مدام بر فراز شهرهای کردستان جولان می دادند و با شکستن دیوار صوتی ایجاد رعب و



بسمه تعالی
توجه
کلاه و ماسک ایمن
با فیلتر زغالی و صافی آغشته به جوش شیرین
برای اولین بار در ایران توسط
فرا بر
تولید و آماده تحویل است.
تلفن ۵۸۱۱۹ - ۰۴۱
تیریز صندوق پستی ۱۴۲۳ - ۵۱۳۵۰

هراس از بمباران شیمیایی وسیله ای برای اخاذی مردم توسط سرمایه داران فارتگر است. در روزنامه های ایران این روزها آگهی های تبلیغاتی از نوع آنچه که در بالامی بینید، جاباز کرده است.

کابینه، موضوع جدید کشاکش مجلس و ...

بقیه از صفحه اول کابینه «دولت خدمتگزار» پدل شد. از رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به میر حسین موسوی که تنها به ضرب قدرت «ولی فقیه» و «پالایش» نمایندگان مجلس تحصیل شده بود، دو هفته می گذرد. طبق ماده پیش گفته آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، میر حسین موسوی موظف به آن بود که هفته قبل اعضای کابینه خود را برای اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی کند. اما اگر موسوی در هنگام اخذ رای اعتماد خودش، مقام ریاست جمهوری خامنه ای را دور زده بود و خلاف قاعده بازی، مستقیماً به مجلس منتخب دولت رجوع کرده

اجرای طرح چرانتخاب شده است. اما گمانی نیست که این «قید» در همان رابطه ای ذکر می شود که از خامنه ای رئیس جمهور رژیم در زمینه معرفی نخست وزیر به مجلس، در کمال رعایت سکوت، سلب اختیار می گردد! جنگ قدرت ادامه دارد. طرفین در سنگرهای جدید مستقر شده اند. موضوع رای اعتماد به یکایک اعضای کابینه میتواند منشاء درگیری حاد طرفین گردد، چرا که فرمان «ولی فقیه» در راستای تثبیت موسوی، هنوز شامل حال وزرا نمی شود. موسوی که در هنگام اخذ رای اعتماد خود از مجلس «پالایش» یافته، از فراز سر رئیس جمهور پرید، اینبار می کوشد نمایندگان مخالفش را دور بزند. شورای نگهبان مخالف است و مجمع تعیین مصلحت نیز بنا به مصلحت تا این لحظه سکوت کرده است!

که جلسه همان روز خود، «پس از گفتگو و بررسی طرح» آنرا مقایر با قانون اساسی اعلام کردند و از موسوی خواستند تا یکایک اعضای کابینه خود را برای اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی کند. و بدین ترتیب دور جدید جنگ مجلس و شورای نگهبان آغاز شد. کیهان دولتی ۱۹ تیرماه، ضمن بازتاب دادن خبر تصویب دوفوریت طرح عدم اجرای ماده ۱۴۵ آئین نامه داخلی مجلس، اعلام کرده بود که این موضوع موقت بوده و تنها این دوره را دربرمی گیرد. کیهان دولتی همچنین به زبان پرمعنائی نوشته بود: «پیش بینی می شود که مدت اجرای طرح مذکور تا پایان دوره ریاست جمهوری محبت الاسلام باشد». کیهان توضیح نداد که قید «پایان دوره ریاست جمهوری خامنه ای» برای مدت

۳ هزار نفر از اهالی جمشید تهران دستگیر شدند

دستگیر شده به کمیته انتقال یافتند و زنان و کودکان به اردوگاه ۳ هزار نفر زن، مرد و کودک معتاد، بی سرپناه و فقر زده دستگیر شدند تا بوق و کرنای تبلیغاتی مبارزه علیه قاچاق و فساد طنین بیشتری یابد اما مردم می دانند که دستگیر شدگان قربانیان رژیم ستم شاهی و جمهوری اسلامی هستند و حال جمهوری اسلامی خانه آنان را بر سرشان آوار می کند و آنان را بی سرپناه می سازد تا عاملین اصلی فساد و تبهکاری از خشم مردم در امان باشند.

طرح احداث دو پالایشگاه نفت در بندر عباس و اراک

از طریق صدور نفت خام تامین خواهد شد. وزیر نفت در ادامه سخنان خود با اشاره به افزایش حوزه های همده اکتشاف، اظهار کرد که جمهوری اسلامی در نظر دارد برای توسعه فعالیتهای اکتشافی خود از "متخصصین خارجی" استفاده کند.

آغازده در زمینه تولید و فروش نفت ایران، با اشاره به سقف تولید نفت ایران در سالهای ۶۸ و قبل از آن پرداخت و با تاکید بر توان تولید ایران تا ۵ میلیون بشکه نفت در روز نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی نیز قادر است تولید نفت را به حد پیشین برساند. وی همچنین پیش بینی کرد که با پایان جنگ، ایران نقشی جدی تر در اوپک خواهد یافت و ایران با کشورهایی که هم اکنون دشمن است رفتار دوستانه ای خواهد داشت.

در ایران سالانه ۵۰ هزار کودک زیر ۵ سال می میرند

هر روز در کشور ما ۹۵۰ نفر می میرند که ۳۶۵ نفر آنان کودکان زیر پنج سال هستند. از این ۳۶۵ کودکی که هر روز و هر روز جان می یازند، ۱۳۰ نفر هرگز به ماه دوم تولد نمی رسند و ۱۶۰ نفرشان نیز قبل از پایان یک سالگی زندگی را وداع می گویند و خلاصه اینکه از ۳۶۵ نفر گل شکفته، ۵۷ کودک هر روز فقط به دلیل بیماریهای قابل پیشگیری با واکسن و ۷۸ نفر آنها (۲۲ درصد) به دلیل اسهال می میرند. مطلب فوق بخشی از گزارش روزنامه کیهان دولتی در زمینه مرگ و میر کودکان در رژیم جمهوری اسلامی است. در ادامه همین گزارش تاکید شده است که روزانه ۷ مادر به دلیل عوارض حاملگی و زایمان، و تعدادی نوزادان سوختگی تلف می شوند. آمار گزارش کیهان حاکی است که سالانه بیش از ۵۰ هزار کودک زیر پنج سال تنه به هلت بیماریهای واگیر ساده دوره کودکی و فقدان امکانات اولیه بهداشتی از بین می روند. کثرت مرگ و میر کودک در استانهای سیستان و بلوچستان نسبت به سایر مناطق بالاتر است. در برخی از شهرهای این استان از جمله ایرانشهر و چابهار به سبب فقر شدید فرهنگی "حتی پنج دختر با میزان سواد کلاس پنجم ابتدائی وجود ندارد تا به عنوان بهورز" در امر بهبود بهداشت منطقه فعالیت کنند.

آینده ایران و تلاش "غربی" ها

"روزنامه هربی زبان القس چاپ کویت در آخرین شماره خود در هفته گذشته نوشت: هلموت کهل صدراعظم آلمان فدرال در جلسه محرمانه ای در اتریش که به منظور بحث درباره آینده ایران ترتیب یافته بود، شرکت کرده است. به نوشته این روزنامه شرکت کنندگان در جلسه وین که در میان آنان هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا حضور داشته، توافق داشته اند که تلاشی لازم برای کمک به رژیم جمهوری اسلامی صورت گیرد تا تحولات سیاسی آتی در ایران قابل کنترل "قرب" باشد.

همزمان با انتشار خبر فوق، لاریجانی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی تحت عنوان دیدار رسمی سه روز وارد اتریش شد. وی روز سه شنبه ۱۴ تیر با الویس ماک معاون صدراعظم و وزیر خارجه اتریش در وین دیدار و گفتگو کرد. لاریجانی در بازگشت از وین، در رم با جولینو اندرونوتی وزیر امور خارجه ایتالیا نیز ملاقات کرد.

آموزش کارشناس اتمی در پاکستان

در هفته گذشته اطلاعات تازه ای از روابط پنهانی دولت پاکستان و رژیم ولایت فقیه در زمینه فعالیت های اتمی برملا شد. براساس نوشته هفته نامه انگلیسی زبان "بزرور" چاپ لندن روابط دو کشور فراتر از مبادله اطلاعات علمی و همکاری در چارچوب موازین بین المللی است. "بزرور" به نقل از منابع آگاه نوشته است که هم اکنون متخصصین سازمان انرژی اتمی ایران در آزمایشگاه های اتمی پاکستان مشغول آموزش تجربیات پاکستان در زمینه های مختلف کاربرد انرژی اتمی هستند. قرارداد مبادله کارشناس و آموزش متخصصین ایرانی در سال ۶۶، بین دو کشور منعقد شده است. قرار دادهای را رضا امراللهی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و دکتر "میرخان" همتای پاکستانی وی در ژنو امضا کرده اند. طبق همین قرارداد هم اکنون ۶ تن از کارشناسان اتمی ایران در پاکستان مشغول فعالیت هستند. پاکستان از جمله کشورهای آسیایی است که قادر است سلاح اتمی تولید کند.

پروازهای خارجی

"ایران ایر" از سر گرفته شد

پروازهای خارجی شرکت هواپیمایی ملی ایران که از روز یکشنبه ۱۲ تیر به مدت ۳ روز در پی سرنگونی هواپیمای "ایرباس" در آبهای خلیج فارس متوقف شده بود، از روز چهارشنبه ۱۶ تیر ماه از سر گرفته شد. روز چهارشنبه یک هواپیمای بوئینگ ۷۰۷، با ۱۹۰ سرنشین که از بستگان هواپیمای سرنگون شده بودند، هازم دوی شد. قبل از حمله رزمناو آمریکایی به هواپیمای ایرانی، در هفته پنج پرواز از مقصد بندر عباس به دوی دایر بود.



اعتصاب کارگران نساجی قائم شهر

بدستور مدیریت کارخانه نساجی شماره ۲ قائم شهر، در اردیبهشت ماه معادل چند روز دستمزد کارگران، از حقوق ماهانه آنها کم کردند. کارگرانی که در هنگام دریافت حقوق از این دستور مطلع شدند به اعتراض برخاستند. اما مدیریت کارخانه حتی حاضر نشد هلت این کار را توضیح دهد. در اعتراض به این اقدام خودسرانه ضدکارگری، کارگران هر سه شیفت کار کارخانه نساجی به مدت یک ساعت دستگاه ها را خاموش کرده و دست از کار کشیدند. پس از این حرکت اعتراضی مدیریت توضیح داد که جهت کمک به جیبه از حقوق ماهانه کارگران کسر کرده اند. این هذر بدتر از گناه نفرت کارگران را افزوده تر ساخت.

اعتصاب علیه اختلاس مدیریت

مدیریت کارخانه سنتاب مشتی عناصر فاسد و ضدکارگر هستند. آنها با اختلاس سرمایه و اموال کارخانه و سوء استفاده در عقد قراردادها به قارت ثمره کار کارگران مشغولند. اخیرا وقتی که خبر سرعت یک نفره دیگر از دزمی هلیشاه فاش گردید، کارگران به اعتراض برخاستند، کارگران برای بیان اعتراض خود به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند.

اعتصاب رانندگان برای دریافت وسایل یدکی سرکوب شد

رانندگان مینی بوس های کرایه مسیر سوادکوه - قائم شهر در اواخر اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. هلت اعتصاب نایابی و گرانی کمرشکن وسایل یدکی بویژه لاستیک بوده است. اعتصاب کنندگان خواستار بودند که دولت موظف به تامین این وسایل به نرخ رسمی گردد. در مقابل با این اعتصاب، مزدوران رژیم به اجتماع رانندگان یورش بردند. آنها عده ای از رانندگان را دستگیر و زندانی کردند.

مذاکرات ایران و کانادا

به گزارش خبرگزاری رویتر ایران و کانادا سلسله مذاکراتی را برای از سرگیری فعالیتهای دیپلماتیک آغاز کرده اند. "جوکلارک" وزیر امور خارجه کانادا طی مصاحبه مطبوعاتی ضمن تأیید خبر مذاکرات تهران و اتاوا، اظهار کرد که کانادا و ایران پیرامون از سرگرفتن روابط دیپلماتیک خود که از سال ۱۹۸۰ به دنبال دخالت مخفیانه دیپلمات های کانادا در تهران برای خروج شش دیپلمات آمریکایی از ایران تیره شده بود، مشغول مذاکره هستند. هم اکنون یک هیات نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی در کانادا به سر می برد.

تاکنون مناسبات دیپلماتیک کانادا با ایران از طریق سفارت دانهمارک در تهران صورت می گرفت. برقراری روابط دیپلماتیک دو کشور

مقاومت کارگران در برابر ازام اجباری به جیبه

چندی پیش توسط مسئولین کارخانه پارچه بافی مقدم اسامی عده ای از کارگران برای ازام به جیبه اعلام گردید. اعلام ازام اجباری کارگران به جیبه با واکنش شدید اعتراضی کارگران روبرو شد. مخالفت کارگران مانع اجرای این تصمیم گردید.

باختران :

مرگ بر جنگ مرگ بر خمینی

در شب ۲۴ خرداد هنگام قطع برق، در چهارراه اجاق باختران مردم با بهره گیری از تاریکی به شعار دادن علیه رژیم می پردازند. با فریاد شعارهای مرگ بر خمینی، مرگ بر جنگ جمع زیادی گرد آمدند. کمی پس از آغاز این حرکت پاسداران کمیته به محل گسیل می شوند. آنها با مسدود کردن گذرگاه های این محل کوشیدند، شعار دهندگان را محاصره و دستگیر کنند. اما تلاش آنها بیفروده بود و قادر به دستگیری هیچ کس نگردیدند.

فرار از جیبه افزایش یافته است

جوانانی که به زور راهی پادگانها و جیبه ها شده اند، با شنیدن خبر افزودن ۴ ماه به مدت خدمت سربازی، دچار خشم شدیدی گردیده اند. اعلام این خبر فرار از جیبه ها را به میزان زیادی افزایش داده است. در موارد بسیاری کسانی که فرصت گریز از جیبه نداشته اند اقدام به خودزنی و حتی خودکشی کرده اند.

از ۳۲۰ جوانی که برای طی دوره آموزشی در پادگان حاجی آباد باختران خدمت می کردند در پایان دوره تنها ۵۸ تن باقی ماندند. بقیه آنها هریک بگونه ای در طی ماههای اسفند و فروردین از پادگان گریختند.

زمینه گفتگو و همکاری با آمریکا را برای جمهوری اسلامی مساعدتر خواهد کرد.

در طی جنگ ۵۴۰ کشتی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته است

خبرگزاری فرانسه به نقل از بیمه لویدرز در لندن اعلام کرد که از سال ۱۹۸۰ و پس از آغاز جنگ ایران و عراق تاکنون ۵۴۰ کشتی تجاری و تانکر نفتی در خلیج فارس از سوی نیروهای ایران و عراق هدف حمله قرار گرفته و خسارت دیده است.

بنا به گزارش لویدرز در حال حاضر ۹۳ کشتی در منطقه اروندرود - شط العرب از کار افتاده و محصور می باشند.

از رنج بی پایان کشاورزان

کشاورزان استان باختران نیز مثل کشاورزان دیگر مناطق کشور برای تهیه وسایل کشت در شرایط گرانی کمر شکن ناگزیر به تحمل مصائب طاقات فرسایمی هستند. در فصل کاشت در بهار، تراکتورها بدون گازوئیل و روغن مانده بودند. سهمیه دولتی گازوئیل از همیشه کمتر شد بگونه ای که به هیچ وجه کفاف کار را نمی داد. این سهمیه نیز همواره با تاخیرهای فزون از حد تحویل گردید. دولت هلیرقم اینکه متعهد به دادن کود شیمیایی به روستائیان شده بود، از انجام تعهد خود باز ماند و سرباز زد. روستائیان بناچار کود را از بازار سیاه و به قیمت باور نکردنی هر کیسه ای ۵۰۰ تومان خریداری کردند. علاوه بر این آفت سن در کشتزارها شیوع پیدا کرده که در بسیاری از روستاها خسارات فراوانی ببار آورده است. ارگانهای دولتی تاکنون برای مقابله با این آفت اقدام موثری صورت نداده اند.

ایستادگی شیر زنان بلوچ در برابر ژاندارما

* چندی پیش گروهی از ژاندارما برای سربازگیری به روستای اوگینک از توابع لاشار (در استان بلوچستان) ریختند. در برابر این تهاجم زنان روستا با خاستند. آنها دسته جمعی با ژاندارما روبرو شدند. در نتیجه درگیری چند ژاندارم مضروب گردیدند. ژاندارما بناچار عقب نشسته و بادست خالی روستا ترک کردند. مقاومت در برابر اکیپ های سربازگیری در تمامی روستاهای بلوچستان دیده می شود. در اثر این مقاومت ژاندارما در موارد اندکی جرات ورود به روستا را به خود می دهند. آنها ترجیح می دهند در جاده ها کمین بنشینند.

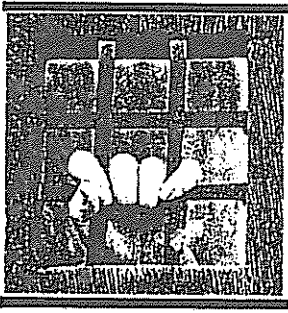
* گرانی ارزاق عمومی در بلوچستان جانکاه تر از دیگر مناطق کشور است. در این وضعیت بلوچ های فقیر حتی نمی توانند حداقل آذوقه را تامین کنند و بناچار گرسنگی می کشند. بهای برخی از کالاها در منطقه لاشار بلوچستان چنین است :

یک کیسه آرد ۸۰۰ تومان
قوطی ۵ کیلوئی روغن نباتی پاکستانی ۸۰۰ تومان
گوشت هر کیلو ۳۰۰ تومان
برنج پاکستانی هر کیسه ۹۰ کیلوئی ۶۰۰۰ - ۳۵۰۰ تومان
مرغ هر عدد ۳۰۰ تومان

* بدنبال بارندگی شدید نیمه دوم اردیبهشت ماه در منطقه لاشار، به کشتزارهای دهقانان خسارات شدیدی وارد شد. تعدادی از قنوات نیز در روستاهای هیدوبج، الله آباد، پامونت واسیکه فرو ریخت. طبعا از سوی مقامات دولتی هیچ اقدامی جهت جبران خسارات و ترمیم قنوات به عمل نیامد.

نامه‌ای از همسر یک فدایی شهید

به پسر می‌گویم عموهایت خونخواه پدرت خواهند شد



سر سخته و قهرمانانه‌آنان است که جان می‌یابم. و چقدر کوچک هستم من در مقابل هزاران زندانی سیاسی که با قامتی استوار در دفاع از آرمان مردمی خویش ایستاده‌اند و در زندان مبارزه می‌کنند و به کوری چشم دشمن جراحتهای همدیگر را مرهم می‌گذارند و دست در دست هم بدور از تفرقه‌های خودخواهانه، اعتصاب غذا می‌کنند و سرود اتحاد و همبستگی را سر می‌دهند. بدون تردید خون تمام شهیدان خلق چرافی فراراه مبارزات خلق ما خواهد شد.

چقدر حقیرند دستان ناتوان من دستهای شکنجه ندیده من، پشت شلاق نخورده من در مقابل هزم واراده آنانکه ماهها بی‌خوابی و تعزیر و شلاق را با سرفرازی پشت سرمی‌گذارند. این همه وظیفه انجام نشده اینهمه سردرگمی و بی‌موده‌کاری...؟

فردا وقتی پسر می‌پرسد مادر تو چه کردی؟ در کجای تاریخ جای داری چه جوابی دارم که بدهم. برآستی با اینهمه دین که به گردن داریم در مقابل این همه شهادت عزیزانمان که در تاریکی دمه‌های زندان رازدار خلق باقی می‌مانند و با خون خود درخت آزادی فردا را آبیاری می‌کنند، چه پاسخ خواهیم گفت. چقدر ناکافی است این حرکات پراکنده ما در مقابل حمل مادرانی که زیر چکمه‌های خونین پاسداران ظلمت مشت‌ها را گره می‌کنند و با هم با صدائی که عظمت همه تاریخ را با خود دارد و با صدائی که همه مهربانی مادر زمین را در خود دارد و با خود شهادت قهرمانان تاریخ را بیاد می‌آورد. همه با هم می‌گویند درود بر زندانی سیاسی - زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

صدای گلوله می‌آید خون از پیشانی مادری و از گلو همسری جاری می‌شود و این بار با حنجره خونینی فریاد بر می‌آورند و درود بر زندانی سیاسی.

عزیزانمان می‌رفتیم روشن شد، هر که شنید گریه کرد، باز هیچ مادری، پدری، همسری نپرسید او از چه گروهی بود.

وقتی در تاکسی تعریف کردم شوهرم مانند خیلی دیگر از زندانیان سیاسی یکی از هزاران فرزند رشید این خلق به پا خاست و قهرمانانه ایستاد و چون منصور بر دار شد، هیچکدام از مسافران نپرسیدند از چه گروهی بود، فقط هر کدام به نوبه خود درودی فرستاد یکی گفت روحش شاد - یکی گفت جایش در بهشت است و یکی هم گفت خانم جایش همیشه در تاریخ خواهد ماند. در قلب همه خواهد ماند. خانم اینها روشنائی امید ما هستند، دل ما از سرفرازی آنها از گرمای استقامت آنها جان می‌گیرد. و متفقا گفتند چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند و نوری پرسیدند فرزندی از او داری گفتم آری خیالشان آرام شد گفتند پس یادگارش مانده برای ما عزیز است. کاش خانم بتوانیم یکروزی زحمات این عزیزانمان را جبران کنیم. همه در آخر پیاده شدند با برق امیدی از مبارزه در چشم و خشمی فروخورده در دل.

و حالا من هنوز هر روز در فم عزیز می‌نشینم. نه من، که هر مادری که پس از بارها ملاقات و قطع ملاقات پس از روزهای سخت ملاقات عزیز اینطرف شیشه‌های لهنتی زندان که هر دو طرف سعی می‌کنند به هم روحیه بدهند. زندانی سالها شکنجه و رنج دیده سعی می‌کند لوزش دستش را خانواده‌اش نبیند و خانواده سعی می‌کند که از دردهای بی‌شمار خانوادگی و شخصی‌اش چیزی بازگو نکند. بعد از ماهها باتکلیفی خبر اعدام فرزندش را می‌شنود. من و هر مادری که آن روزها را دیده نه فقط یکبار که هر روز هرگاه سحرگاه و شامگاه اوین با خون عزیز گلگون می‌شود دوباره داغدار می‌شویم. ایان عموهای بی‌شمار پسرکم هستند که در لالائی‌های شبانه برایش خوانده بودم که خونخواه پدر خواهند شد. هنوز با هر دستگیری این عزیزان من هستند که به سیاهچاله‌های اوین فرستاده می‌شوند و آنگاه که خبر اعتصاب غذای آنان را می‌شنوم من از رزم

به همدیگر سربزنیم - آن مجاهد مبارز پیام توده‌ای ممنوع الملاقات را به خانواده‌اش می‌داد و راه کارگری از مبارزات فدائیان نقل می‌کرد و آن توده‌ای از فدائی اقلیتی که اعدامش کردند تعریف می‌کرد.

شکلاتهایی که پسرکم که در آخرین ملاقاتها (قبل از اعدام) به پدرش رساند بین زندانیان هم سلول با نام‌های گروهی متفاوت تقسیم شد.

و مادر بیژن از مادر روستائی کرد که با شنیدن خبر اعدام فرزندش در خاک می‌فلتید نمی‌پرسید پسر و وابسته به چه گروهی بود. به سوش می‌دویدیم، آبی به مادر می‌دادیم زیر بغلش را می‌گرفتیم، زیر گوشش می‌گفتیم مادر سرپا بایست مثل پسر و همه‌مان را جلو دشمن روسفید کن. مادر کدام شهید را قدر می‌شناسی به حرمت هر کدام که قبولشان داری سرپا بایست، دشمن را با استواری خودت خوار کن.

وقتی پسرکم پشت درهای زندان ساعتهای طولانی زیر آفتاب سوزان یا سرمای کشنده زمستان بی طاقت می‌شد، هیچ مادری نمی‌پرسید پدرت با چه سازمانی کار می‌کرد. هر کس می‌خواست طوری سرگرمش کند، با شکلات یا قصه خورشید.

آنوقت که خبر اعدام همسر بعد از مدتی برای خانواده‌های دیگر زندانی که باهم به ملاقات

وقتی پسرکم را برای ملاقات پدرش بردم بعد از یکسال اولین بار بود که آن گروه از زندانیان ملاقات می‌گرفتند، اگر چه بودند در میانشان کسانی که بعد از سه سال برق شادی دیدار دوباره مردم در چشمانشان می‌درخشید. با شور و شغنی بی حد پیکر نحیفشان را بزحمت راست نگه می‌داشتند. در چشمان درشتشان که روی صورت استخوانی جلوه‌ای چون خورشید داشت برق شادی را می‌دید. با سر به اشاره با هر خانواده‌ای سلام می‌کردند. برای پسرکم دست تکان می‌دادند هر چند که می‌دانستند اینهم خود از نظر زندانبان جرم است. از پسرکم نمی‌پرسیدند پدرت جز' چه گروهی بوده و یا نام او چیست. آنها برای شور زندگی برای فروغ آینده که در فرزندم می‌دیدند لبخند می‌زدند. آنها زندگانی را با تمام وجود لمس می‌کردند. قدر کودکان، قدر آزادی، قدر عشق و آزادی را صد چندان که ما درک می‌کنیم لمس می‌کردند.

خیلی از آنها همدیگر را نمی‌شناختند و نمیدانستند وابسته به چه گروهند ولی باز هتاب و خطاب شکنجه‌گران را بجان می‌خريدند تا لبخند پیروزی را همراه سلامی و نگاهی به هر زندانی دیگری که دیده می‌شد بیاندازند.

از جوان ۱۶ ساله تا پیر ۷۰ ساله با قلبی پرامید برای آنانکه بیرونند - همه از ما می‌خواستند قدر زندگی را بدانیم دیو تفرقه را در هم شکنیم

تا چند روز دیگر ۱۰ تن از زندانیان سیاسی ایران تیرباران خواهند شد

بقيه از صفحه اول

احکام تبعکارانه هیچگاه اعلام نشود شاید هم تاکنون این احکام را به اجرا در آورده باشند.

به افشای این جنایات برخیزیم! جهانیان را به نجات جان زندانیان سیاسی ایران فراخوانیم. انجام هر آنچه که ممکن است وظیفه عاجل و تاخیرناپذیر هر ایرانی آزاده است؛ هرآنکه دل با مردم دارد، این ده تن که به پای جوخه اعدام برده می‌شوند، با هر تعلق

سازمانی و هر عقیده‌ای که دارند در پیکار با رژیم قرون وسطایی خمینی اسیر شده‌اند، آنها رزم مشترکی را علیه رژیم ولایت فقیه به پیش برده‌اند. پشتیبانی از آنان و افشای جنایتی که تدارک دیده شده است وظیفه مشترک هر عنصر مبارز و هر سازمان و حزب ترقیخواه است. اجتناب از حضور در هر صحنه این رزم مشترک بیگمان جز به کام دشمنان مردم، دشمنان صلح و آزادی نیست.

دور از میهن

تظاهرات به مناسبت روز جهانی پناهنده در کراچی

است اکثریت)
۷- ما خواهان رسیدگی سریع و مسئولانه دفتر UNHCR کراچی به وضعیت متحصنین در مقابل دفتر نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌باشیم. ما سیاست سکوت UNHCR در این رابطه را محکوم می‌کنیم.
۸- ما قطع مزایا و لغو مهاجرت تعداد زیادی از هموطنان بلوچان را قویاً محکوم می‌کنیم.
۹- ما خواهان تسریع روند مهاجرت پناهندگان می‌باشیم.
۱۰- ما خواهان انعکاس وضعیت پناهندگان و پناهندگان ایرانی متیم پاکستان از طرف UNHCR کراچی در سطح جهان هستیم.

جنگ بی فرجام ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل می‌باشیم.
۳- ما خواهان تامین امنیت کلیه پناهجویان و پناهندگان ایرانی در کراچی می‌باشیم.
۴- ما خواهان پذیرش پناهندگی سربازان گریخته از جبهه‌های جنگ و نیستی خمینی از جانب UNHCR می‌باشیم.
۵- ما استفاده از امکانات خدماتی- درمانی UNHCR را حق طبیعی پناهجویان می‌دانیم.
۶- ما خواهان لغو فرم "۳" ابداعی UNHCR کراچی هستیم.
(این فرم اجازه اقامت بدون حق برخورداری از هزینه امرار معاش

به مناسبت ۲۳ ژوئن، روز جهانی پناهنده و به دعوت پناهندگان ایرانی - کراچی جمعی از مهاجرین ایرانی در کراچی با برگزاری تظاهراتی در مقابل دفتر سازمان ملل بار دیگر بر ضرورت اتحاد و یکپارچگی پناهندگان در مبارزه برای دستیابی به آماج‌های خود پای فشردند. تظاهرکنندگان با صدور یک قطعنامه ۱۰ ماده‌ای به طرح نکات زیر پرداختند:
۱- از آنجائیکه عامل اصلی آوارگی ما ایرانیان، رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد، تا سرنگونی این رژیم ضد بشری به مبارزات خود ادامه می‌دهیم.
۲- ما خواهان قطع فوری و بیدرتنگ

پاکستان - اعتصاب غذا، بالبان دوخته، در زندان

بنا به گزارش روزنامه انگلیسی زبان "داون" چاپ کراچی - مورخ ۱۷ ژوئن - یک پناهجوی ایرانی در اعتراض به خودداری دفتر امور پناهندگان سازمان ملل از صدور کارت پناهندگی برای وی، بالبان دوخته در مقابل ساختمان این دفتر در کراچی دست به اعتصاب غذا زده است. بنا به همین گزارش "او یکی از چندین ایرانی ای است که جهت گرفتن کارت پناهندگی در مقابل کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، هر روز در حال تحصن هستند". اکنون حدود ۵ ماه است که تعدادی از هموطنان مهاجر ما که در میان‌شان چند زن و کودک نیز دیده می‌شوند، بخاطر گرفتن کارت پناهندگی و در اعتراض به امتناع دفتر امور پناهندگان از صدور کارت پناهندگی در برابر آن تحصن کرده و متناوباً اقدام به اعتصاب غذا می‌کنند.

در شماره ۳۶ "بولتن" کانون پناهندگان ایرانی - کراچی نیز خبری مبنی بر اعتصاب غذای یک پناهنده ایرانی در زندان درج شده است. بخشی از متن خبر چنین است: "یکی از پناهندگان ایرانی که حدود ۵ ماه است در زندان مرکزی کراچی بسر می‌برد، از روز چهارشنبه ۱۵ ژوئن دست به اعتصاب غذا زده است. پناهنده مزبور در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷ هنگامیکه از کویته عازم کراچی بود با وجود در دست داشتن برگه هشت هفتگی صادره از دفتر UNHCR کویته، توسط پاسگاه "مچکو" واقع در ۱۵ کیلومتری کراچی دستگیر شد و از آن زمان تا کنون در زندان مرکزی کراچی، و در بدترین شرایط زیستی بسر می‌برد. با وجود اینکه این شخص توسط دفتر UNHCR در کراچی، در زندان مصاحبه و بعنوان پناهنده رسمی شناخته شده است تاکنون مسئولین دفتر این سازمان در کراچی اقدام جدی در جهت آزادی وی به عمل نیآورده‌اند."



صحنه‌ای از تظاهرات روز جهانی پناهنده در کراچی

تظاهرات ایرانیان برای احقاق حق پناهندگی

WDR نیز خبر این حرکت اعتراضی را که بصورت تظاهرات ایستاده انجام پذیرفت، همراه با نمایش فیلمی از شرکت کنندگان در آن بازتاب داد.
در شش ماهه گذشته به علت سیاست ضد پناهندگی دولت محافظه‌کار آلمان فدرال و بویژه "سیمرمن" وزیر کشور آلمان تقاضای پناهندگی حدود ۷۰ درصد از پناهندگان رد شده است.

دورتموند شرکت داشتند. خبر این اقدام اعتراضی که نمونه موثقی از حرکت‌های اعتراضی مشترک پناهندگان بود در روزنامه‌های آلمانی زبان WAZ و RN همراه با عکس درج گردید. همچنین گزارش گفتگوی یکی از اعضا مرکز ایرانیان دورتموند با مسئول اداره فوق‌الذکر به مدت ۲۰ دقیقه از رادیو دورتموند پخش گردید. برنامه سوم تلویزیون

روز ۲۰ خرداد (دهم ژوئن) حدود ۲۵۰ نفر از متقاضیان پناهندگی با اقدام به یک حرکت اعتراضی در برابر اداره اقامت و رسیدگی به امور پناهندگی شعبه شهر دورتموند (آلمان فدرال) خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند.
در این حرکت اعتراضی اعضای انجمن‌های پناهندگی ایرانیان در شهرهای بوخوم، اسن، هاگن و

گزارش مراسم بزرگداشت خاطره قهرمان مردم انوشیروان لطفی

رابطه البته نیروهای بین‌المللی و هر انسان که این خبر را بشنود باید این خواسته را جواب بدهد. ما معتقدیم که چنددستگی در بین نیروهای اپوزیسیون رژیم حاکم در ایران باعث ادامه حیات این رژیم می‌شود. تمام نیروهای اپوزیسیون هم از اسلامی یا مارکسیست بایستی متحد شوند تا یک سیستم دموکراتیک در ایران روی کار بیاورند. می‌خواهم تاکید بکنم که اتحاد همیشه با خودش چندگانگی می‌آورد و چندگانگی یعنی دموکراسی. و دموکراسی خلاصه‌ترین جواب به این چندگانگی است.

آقای جان پلاتز میلز - عضو سابق پارلمان انگلستان - سوسیالیست مبارزی که از معادن ذغال سنگ انگلستان تا پارلمان را برای دفاع از حقوق دموکراتیک مردم پیموده بود. با بلندای سرافراز مبارزه آزادیخواهان‌اش، چون درختی که‌نسال با سخنان شورانگیزش شکوفه بارانمان کرد. در مراسم ما، پس از اشاره به منافع فارتگرانه آمریکا و انگلستان در خاور میانه و خلیج فارس و محکوم کردن سیاست ریگان و مادام تاجر (که او را دوست خمینی نامید) و محکوم کردن جنگ ایران و عراق، به تجلیل از رفیق انوش پرداخت و چنین گفت:

"یک شاعر رومی به زبان لاتین می‌گوید: هر آنچه به انسان مربوط است با من بیگانه نیست. شاید این شاعر در مورد خودش اقرار کرده باشد. اما این شعر در مورد انوش صادق است. او مرا بیاد پرومته

سازمان* آزادیبخش فلسطین (PLO) سازمان ملی خلق فلسطین - دستانی که دستهای یاران ما را در سنگرهای خلق فلسطین به‌مهربانی فشرد - نماینده‌اش مصطفی شیفات عضو رهبری الفتح را به مراسم ما فرستاد. او طی سخنان پر شورش رزم مشترک خلقهای ما را بازگو کرد. از جنایات صهیونیستها سخن گفت. بایاد انوش قهرمانی را تجلیل کرد.

کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا (GIL) که همواره از مبارزات مردم ایران و مبارزات سازمان ما دفاع کرده است. نماینده رهبری‌اش خانم (Naa Corossacz) را برای ابراز همبستگی با مبارزه خلقمان و احترام به رفیق انوش به مراسم بزرگداشت فرستاد. او چنین سخن گفت: "در این همبستگی بین‌المللی با مبارزات سازمان فدائیان خلق (اکثریت) می‌خواهیم بگوییم که نه فقط بخاطر مواضع دموکراتیک سازمان فدائیان خلق (اکثریت) درباره صلح و آزادی و حقوق بشر در ایران بلکه بخاطر مضمون فاحشی که این تظاهرات بر پایه آن برنامه‌ریزی شده است با شما قصد سخن دارم. حالا پس از اهدام انوشیروان لطفی از سازمان فدائیان و دونفر از اعضا اپوزیسیون، از مجاهدین و اتحادیه کمونیست‌های ایران باید قویا امیدوار بود. این حامل تمام نیروهای اپوزیسیون مترقی ایران را گرد هم بیاورد. در این

سخت مبارزه انوش در زندان شاه، از روزهای پرحادثه ساز ابدی زیر ضرب تعقیب و تور ساواک خمینی سخن گفت. و یاد کرد که انوش همواره مظهر انسانیت، رشد فرهنگی، فداکاری، ایمان و قهرمان بود. بر ضرورت اتحاد نیروهای جنبش کمونیستی تاکید کرد. او پس از اشاره به موقعیت بسیار بحرانی ایران و رژیم خمینی و پس از اشاره به پراکندگی و تفرقه موجود در جنبش ضرورت هم و اقدام مشترک احزاب و سازمانهای مترقی را یادآوری کرد.

رفیق گزارشی از ایران را قرائت کرد که رفقایمان در ایران تنظیم کرده بودند. این گزارش لحظات ابلاغ حکم اعدام به رفیق انوش در بند همومی اوین، آخرین سخنان رفیق در جمع رفقای در بند تا روی آوری نمایندگان از سوی کارگران با پرچم سه رنگ که در وسطش با ستاره سرخی آذین شده بود به خانه مادر انوش را شامل می‌شد. "خانه انوش همچنان گلابران است. حداقل ۲ هزار نفر در این مدت از مادر انوش دیدن کردند..."

سپس نماینده‌ای از جانب رهبری حزب کمونیست آلمان، حزب قهرمانانی چون ارنست تلمان، که خاطره پر شکوفه مارکس انگلس، لوگزامبورگ و لیبکنشت را به‌مراه داشت، پشت تریبون قرار گرفت. سخنران از جانب حزب کمونیست آلمان با ستایش از پایمردی انوش حمایت از رزم سازمان ما و نبرد مردم علیه رژیم خمینی را اعلام داشت.

در دوازدهم تیر در شهر بن آلمان فدرال قریب هزار نفر با همبستگی بین‌المللی گرد هم آمدیم تا یاد انوش قهرمان و همه شهدای خلق را گرامی بداریم. نامه‌ها و پیامهای احزاب و سازمانهایی که جمعا ده‌ها میلیون کارگر و مردم آزادیخواه جهان را نمایندگی می‌کنند پشت سر داشتیم. در دفاع از جان رفیق لطفی و سپس اعتراض به اعدام او جهان بیدار، جهان ترقی‌خواه ندای اعتراض خویش را بلند کرد. پرونده دفاع از جان رفیق لطفی شامل ۶ جلد برابر با ۱۵۰۰ صفحه سندرادر آستانه نشستمان در پیش رو داشتیم.

پس از قرائت زندگینامه رفیق لطفی، نماینده کمیته مرکزی سازمان در اروپا و چهار سخنران همچنان از حزب کمونیست آلمان، سازمان آزادیبخش فلسطین، کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا (CGIL)، و نماینده برجسته ترین سازمان حقوقدانان بریتانیا (کوینز کونسلر) و رئیس کانون وکلای مترقی بریتانیا جلسه را با سخنان شورانگیز خود به پیش بردند.

اینک چکامه‌ای از سخنان آتشب را با شما در میان می‌گذاریم. رفیق مهدی فتاپور عضو هیات سیاسی و نماینده کمیته مرکزی سازمان در اروپا، در میان ابراز احساسات بی‌شائبه حضار بر سکوی خطابه قرار گرفت. با شعر "گر مرد رهی میان خون باید رفت - وز پای فتاده سرنگون باید رفت" سخنش را آغاز کرد. از روزهای



در بزرگداشت خاطره انوشیروان لطفی

سوئد

میادین مرکزی شهر گرد آمدند و سپس به سوی سفارت جمهوری اسلامی راهپیمایی کردند. راهپیمایان با دادن شعارهای کوبنده و افشاگرانه جنایات رژیم را به آگاهی مردم کینهاک رساندند. آنان در برابر سفارت قطعنامه تظاهرات را قرائت کردند. مراسم با فریاد شعار مرگ بر خمینی پایان یافت.

در عصر همین روز مراسم دیگری در یکی از سالنهای مرکزی این شهر برپا شد. در این مراسم با خواندن شرح زندگی و بیان خاطراتی از دوران اسارت رفیق انوشیروان لطفی در زندان شاه، از رزمندگی و استواری وی ستایش گردید. در این مراسم احزاب و سازمانهای متعددی با ارسال پیام همبستگی خود را با رزم مردم ایران ابراز داشتند. خبر این مراسم در روزنامه لن دو فالک بازتاب یافت.

در کینهاک هم چنین صدها تن از اهالی این شهر ممتنی را در ابراز انزجار نسبت به اعدام فدائی دلیر انوشیروان لطفی امضا کردند که به سفارت جمهوری اسلامی فرستاده شد.

شمیدان رزم انقلابی مردم ایران آغاز شد. سپس اعلامیه کمیته مرکزی سازمان بمناسبت شهادت لطفی و دو مبارز دیگر قرائت شد.

سخنرانان این مراسم خانم و آقای هانسون - دو تن از فعالین هغو بین الملل - بودند. خانم هانسون در سخنرانی خود ضمن اظهار تاسف از این واقعه، اعدامهای اخیر را "مصیبتی" برای کشورمان دانست و گفت: "تازمانیکه یک فرد محروم از آزادی در جهان زندگی کند، ما جهان آزادی نخواهیم داشت."

این مراسم با دکلمه چند شعر، نمایش اسلاید و فیلم ویدئویی "شکنجه" - از تولیدات سازمان هغو بین الملل - و همچنین قرائت مقاله‌ای درباره زندانیان سیاسی و زندگی رفیق لطفی پایان یافت.

دانمارک

در روز ۲۱ ژوئن به دعوت فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کینهاک پایتخت دانمارک قریب صد تن در اعتراض به تیرباران انوشیروان لطفی در یکی از

از ساعت ۸ صبح روز ۱۷ ژوئن تا ساعت ۶ بعد از ظهر ۱۹ ژوئن گروهی از فدائیان خلق و ایرانیان آزاده و ترقیخواه که تعدادشان به ۱۱ نفر می‌رسید با برپایی یک اعتصاب غذا در شهر مالمو (سوئد) به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران برخاستند و خشم و انزجار خود را نسبت به اعدام فدایی دلاور انوشیروان لطفی اعلام داشتند. خبر این اعتصاب در رسانه‌های گروهی سوئد انعکاس قابل توجهی یافت. روزنامه پرتیراژ "ARBETET" ارگان حزب سوسیال دمکرات‌های سوئد، رادیوی محلی این حزب، هفته نامه PROLETAREN ارگان حزب مارکسیست-لنینیست انقلابی سوئد و چهار روزنامه پرتیراژ دیگر با انتشار خبر اعتصاب غذا و انگیزه انقلابی اعتصابیون در برپایی آن و همچنین بیان گوشه‌هایی از زندگی رفیق لطفی شهروندان سوئدی را در جریان آن قرار دادند. اعلام همبستگی حدود یازده حزب و سازمان سیاسی از این اعتصاب جلوه درخشانی از حمایت بشریت ترقیخواه از زندانیان سیاسی ایران را به نمایش نهاد.

حضور یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد و اعلام همبستگی وی با اعتصابیون، حضور نماینده حزب کمونیست‌های چپ سوئد و نمایندگان سایر نیروهای انقلابی و دمکرات در محل اعتصاب غذا موجی از احساسات انسانی و انقلابی را در میان اعتصابگران و حاضرین برانگیخت. در برپایی این اعتصاب یاری بی‌دریغ رفقای توده‌ای مددکار فدائیان خلق بوده است.

کانادا

مراسم بزرگداشت خاطره فرزند به خون خفته خلق انوشیروان لطفی روز شنبه با حضور هدهای از ایرانیان آزادیخواه و چند میهمان خارجی در شهر تورنتو برگزار شد. برنامه مراسم با یک دقیقه سکوت به احترام انوش و همه

می‌اندازد که زئوس خدای خدایان او را بر صخره‌ای به زنجیر کشید و قرن‌ها شکنجه کرد. روزها عقاب زئوس او را می‌خوردند و شب‌ها مرمتش می‌کردند تا فردا روز. قهرمانی انوش و مرگش مرا بیادین داستان انداخت.

رفیق فتاپور گفته که شهادت انوش به ما پیام مبارزه و استقامت داد من به آن می‌افزایم، ما در انگلستان این پیام را دریافت کردیم که رژیم ایران به ضعف و ترس افتاد و ما قدرت گرفتیم. من نمی‌دانم واژه انوش دقیقاً چه معنایی می‌دهد. می‌گویند یعنی زندگی جاودان. من به زندگی جاودان عقیده ندارم. اما از انوش اینطور می‌فهمم که بخاطر شخصیتش و هشتش به مردم در میان مردم ادامه می‌یابد. مانند گل که خودش می‌میرد اما ز بیابانش جاودان است. انوش زیبایی گل است که جاودان می‌ماند. (در اینجا ابراز احساسات پر شور حضار سخنان آقای میلز را قطع کرد) او سپس افزود: ندا کردن یعنی جان باختن و فدائیان یعنی کسانی که جان برای عقیده‌شان می‌بازند. پس بیائیم آنقدر جان ندادنیم تا صلح در ایران برقرار شود.

او در میان ابراز احساسات حضار که به احترامش ایستاده بودند از سکوی خطابه پائین آمد. در پایان، گروه کر با سرود شورانگیزی کار را به پایان برد.

و هنگامه رفتن، انوش بر دوش ماستاره سرخی را که بر سینه داشت نهاد بود، و به گنجینه دل‌ها سپرد خاطره‌اش را با چهره آنتابی و گلخنه‌ئی چون فروغ زندگی، تابان.

در مراسم بزرگداشت لطفی همبستگی شورانگیز بین المللی انعکاس داشت. پیامهای بسیاری از احزاب، سازمانها، سندیکاها و شخصیت‌هایی از کشورهای مختلف جهان دریافت گردید. در میان برنامه‌ها، همبستگی سازمان ما با مبارزات خلق آفریقای جنوبی برای آزادی ماندلا و زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی و دفاع عاجل از جان انقلابیون شارپویل اعلام گردید.

همچنین پس از حمایت از اقدام قهرمانانه حیدر کوتلو و نیهای سارگین رهبران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه، خواست سازمان ما مبنی بر آزادی فوری آنها و سایر زندانیان سیاسی ترکیه مطرح گردید.

جهانیان اعدام رفیق انوشیروان لطفی را محکوم می‌کنند

حزب مرکزی یونان تلاش برای نجات جان زندانیان سیاسی

به سفارت جمهوری اسلامی ایران و روزنامه‌ها حکومت خمینی در تاریخ ۲۵/۵/۸۸ مرتکب جنایت بزرگی شد. این رژیم در تاریخ ذکر شده انوشیروان لطفی سبیل مقاومت جنبش مردم ایران علیه رژیم‌های مستبد شاه و خمینی را اعدام کرد. ... تمام انسان‌های آزاده جهان وظیفه دارند برای نجات جان زندانیان سیاسی در اسارت رژیم خمینی و خطری که متوجه جان آنهاست، تمامی تلاش خود را بکار گیرند.

دبیر اول مانو بیس گلزوس
۸۸/۶/۱۷

حزب چپ یونان همبستگی در مبارزه علیه حکومت خمینی

از بخش بین المللی کمیته مرکزی حزب چپ یونان به سفیر جمهوری اسلامی ایران - آتن حزب چپ یونان همراه با همه افکار عمومی کشورمان اعتراض شدید خود علیه جنایت رژیم را اعلام و اعدام انوشیروان لطفی عضو رهبری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کند. حزب چپ یونان همبستگی خود را با مبارزه تمام سازمان‌ها و نیروها علیه حکومت قرون وسطایی و تئوکراتیک تهران اعلام می‌کند. ... بخش بین المللی کمیته مرکزی حزب چپ یونان بقیه در صفحه بعد

جهانیان اعدام رفیق انوشیروان لطفی را محکوم می کنند

بقیه از صفحه قبل

نامه کمیته همبستگی دمکراتیک بین المللی یونان

به سفارت جمهوری اسلامی ایران آتن

کمیته همبستگی دمکراتیک بین المللی یونان به اعدام انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ... شدیداً اعتراض می کند و نگرانی عمیق خود را در رابطه با خطری که زندگی رفقای او را تهدید می کند، ابراز می دارد. ما خواهان متوقف شدن اعدام ها و شکنجه ها هستیم.

زندانیان سیاسی را آزاد کنید، آنها برای متوقف شدن جنگ برای بهرسمیت شناختن حقوق بشر در ایران و بخاطر آزادیهای انسانی پیکار می کنند.

دبیر کل نیکوس فوتیادیس
آتن - ۱۶/۶/۸۸

اعتراضیه کمیته یونانی برای صلح و خلع سلاح بین المللی

سفارت جمهوری اسلامی ایران ۳/۷/۸۸

آقایان عزیز

با اعتقاد به اینکه مبارزه برای صلح با احترام به حقوق انسانی و دمکراسی خلق ها ارتباط جدایی ناپذیر دارد، به اعدام مبارز راه دمکراسی ایران انوشیروان لطفی که مبارزات او در راه سرنگونی رژیم استبدادی شاه شناخته شده است، شدیداً اعتراض می کنیم. و اعتقاد داریم که اعدام انوشیروان لطفی و دیگر مبارزان راه دمکراسی ... به حقوق انسانی شناخته شده توسط سازمان ملل متحد تجاوز شده است. از شما می خواهیم که اعتراض ما را به دولت متبوع خویش گزارش کنید.

دبیر کل پائوس توپیاغی

زندانیان سیاسی را آزاد کنید

اتحادیه سراسری دبیران و استادان آموزش متوسطه یونان، اتحادیه سراسری حسابداران (شورای مرکزی)، اتحادیه کارکنان ساختمانی، اتحادیه کارمندان بانک یونان و صنف بناها هر یک طی اعتراضیه های جداگانه ای اعدام جنایتکارانه قهرمان خلق انوشیروان لطفی را محکوم کردند و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی شدند.

در بخشی از اعتراضیه اتحادیه کارکنان ساختمانی آمده است: "ما بربریت رژیم ایران در اعدام فرزندان دیر خلق ایران همچون انوشیروان لطفی و دیگر رزمندگان راه آزادی را محکوم می کنیم ... و بخاطر رعایت حقوق دمکراتیک سیاسی خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم." اتحادیه سراسری دبیران و استادان آموزش متوسطه یونان نیز در اعتراضیه خود نوشته است: "اعدام ها، شکنجه ها و آزار و اذیت هایی که حکومت ضد مردمی خمینی برای مقابله با نیروهای مترقی و مردم اعمال می کند، به هیچ وجه نخواهند توانست سد راه مبارزه مردم ایران برای صلح و آزادی شوند."

جنبش دمکرات مسیحی یونان هم در تاریخ (۳۵ ژوئن) در یک نامه اعتراضیه به سفارت جمهوری اسلامی نوشته است که "ما این سیاست که تمامی حقوق انسانی را زیر پا می گذارد و آخرین نمونه آن جنایت هولناک شما (رژیم خمینی) علیه انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ... بود، محکوم می کنیم."

نامه کمیته رهبری حزب کمونیست هلند

دبیر اول کمیته رهبری حزب کمونیست هلند در نامه ای به وزارت امور خارجه هلند نوشته است:

"بانهایت تاسف و تأثر از خبر اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی ایران در ۲۷ ماه مه سال جاری مطلع شدیم. انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی فدائیان خلق ایران (اکثريت) از جمله اعدام شدگان است. برای نجات جان او سازمان های مختلف سیاسی و اجتماعی تلاش بسیاری کردند ... از شما درخواست می کنیم با اعتراض دولت ایران راجعاً فشار قرار دهید.

به شکنجه و اعدام پایان دهید

حزب کشاورزان یونان با اندوه فراوان از خبر اعدام انوشیروان لطفی توسط رژیم ایران مطلع شد. بنام صلح، بنام دمکراسی و حقوق انسانی از دولت ایران می خواهیم به شکنجه و اعدام نیروهای اپوزیسیون ایران پایان دهند.

اعدام ها را متوقف کنید

حزب کمونیست های هلند در شماره ۳۱ ژوئن ارگان خود "مانیفست" ضمن درج خبر تظاهرات ایستاده فدائیان خلق در برابر ساختمان وزارت امور خارجه هلند در لاهه نوشت: روز جمعه ۲۷ ماه مه امسال چند تن از زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم بربر منش خمینی اعدام شدند. یکی از آنان انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بود. او بیش از پنج سال در زندان رژیم و تحت شکنجه های وحشتناک قرار داشت.

"مانیفست" همچنین نسبت به خطر اعدام های بعدی هشدار داده و نوشته است: "رژیم هرگز پیشاپیش اعلام نمی کند که اعدام های تدارک شده کی عملی خواهد شد."

نامه اعتراضیه کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک به سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاگ

به: سفارت جمهوری اسلامی در دانمارک

حزب کمونیست دانمارک به این وسیله اعتراض شدید خود را نسبت به شکنجه و کشتار بربر منشانه انسان هایی که به خاطر صلح، دمکراسی و حقوق بشر مبارزه می کنند، توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران، اعلام می کند. آخرین نشانه ای این حرکات اعدام فدایی خلق، انوشیروان لطفی است که آن را جار ما را شدت می بخشد.

انوشیروان لطفی بعد از تحمل ۵ سال شکنجه در شرایطی به جوخی اعدام سپرده شد که در سلول انفرادی و تحت شکنجه و در شرایط بیماری بسر می برد.

ما تمام بشریت ترقی خواه را به محکوم کردن اعدام لطفی و هرگونه شکنجه و اعدام در ایران دعوت می کنیم.

ما خواهان قطع شکنجه و اعدام، و آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک
دبیر کل اوله سون

بیانیه مطبوعاتی حزب سوسیالیست انقلابی هندوستان رفیق انوشیروان لطفی مبارز سرشناس راه صلح، دمکراسی و حقوق بشر، شخصیت برجسته، با سابقه و سرشناس ایران در راه سعادت و بهروزی مردم در روز جمعه ۲۷ ماه مه ۱۹۸۸، پس از ۵ سال اسارت در سلولهای انفرادی و تحمل شکنجه های وحشیانه و قرون وسطایی و ابتلا به انواع بیماری ها از جمله سل، اعدام گردید. رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بود.

این جنایت هولناک نمایانگر دور جدیدی از تعرض به حقوق انسانی و تشدید سرکوب و استبداد رژیم ولایت فقیه است که اینک جانهای پاک بسیاری از مبارزان در بند از آنجمله رفیق صمد اسلامی و چندتن دیگر از اعضا و مشاوران کمیته مرکزی فدائیان اکثریت را تهدید میکند.

حزب سوسیالیست انقلابی شدیداً این جنایت ددمنشانه و ضد بشری را محکوم می نماید و مراتب تاسف عمیق خود را به یاد این رفیق که سنت باشکوه فدائیان را زنده نگه داشت اعلام میدارد. حزب سوسیالیست انقلابی از رژیم اسلامی می خواهد که فوراً اعدام تمام زندانیان سیاسی را متوقف نماید و افکار

همو می جهان را فرامی خواند که با فشار به رژیم ایران این رژیم را مجبور به آزادی تمام زندانیان سیاسی نمایند.

پر توتل چودری

دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی



در هشتاد و چهارمین زاد روز این شاعر بزرگ جهان، شعری را درج می‌کنیم که وی در ستایش رزمندگان سیرامایستراسرود، این شعر که از مجموعه سرود اعتراض (تهران انتشارات دماوند - ۱۳۶۲) برگرفته شده، توسط فرامرز سلیمانی و احمد کریمی حکاک به فارسی برگردانده شده است.

شیلی گرامیداشت دوازدهم ژوئیه (۲۱ تیرماه) - هشتاد و چهارمین زادروز پابلو نرودا - رابه جشنواره علیه پینوشه بدل کرد، نودا که در سپتامبر ۱۹۷۳ - تنها دوازده روز پس از کودتای خونین ژنرالها - درگذشت، پس از ۱۵ سال همچنان در دل مردم شیلی، هنرمندان و هنردوستان سراسر جهان و همه رهپویان سعادت انسانها جای دارد.

سپید

اگر زرفای دریا دردهایش را خاموش می کرد
زمین امیدهای را برمی انگیخت
که تا ساحل می رفت:
دست ها و مشت ها بود که به مبارزه برمی خاست
فیدل کاسترو با پانزده مرد
و آزادی، ماسه ها را لمس کرد
جزیره تیره بود، همچون سوک
اما آنان بیرقی از نور برافراشتند
آنان سلاحی جز پیکان نداشتند
و جزیره همچنان در زیر خاک خفته بود
آنگاه در سکوت آغاز کردند
مبارزه را و کوره راهی به سوی ستارگان را
خروشان و خسته گام برداشتند
به سوی نبرد برای افتخار و وظیفه
آنان سلاحی جز خورشید نداشتند
عریان چون لحظه زادن

و بدینسان آزادی کوبا زاده شد
از آن مثنی مرد بر ماسه ها
آنگاه عظمت مردان عریان
بر آنان لباس کوهی پوشانید
به نانی بی نام قوتشان داد
سلاحیشان داد از باروت نهران
و خوابزدگان با آنان بیدار شدند
خطاهای چرکین از گور برخاست
مادران کود کانشان را گسیل داشتند
دهقان از غمی گفت
و سپاه ناب تهیدستان
بالید و بالید، چون ماه تمام
این سپاه سربازی را در نبرد از دست نداد
کشتار نیشکر آبادان شد در توفان
دشمن سلاحش را
در جاده ها رها کرد

پابلو نرودا

کمک های مالی رسیده

۵۰۰۰ لیر	پویا از ترکیه	حاصل تلاش مشترک دوستان و هواداران سازمان در هلند
۲۵۰۰ کرون	قدرت الله از اسلونی	به واحدهای فدائی داخل کشور
۳۲۵ دلار	از برکلی آمریکا	نیلوفر از هلند
۴۰ دلار	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از لس آنجلس آمریکا	کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از هلند
۴۰ دلار	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی سید از آمریکا	به یادر فیک محمودی کی پور از سوئد
یک عدد ساعت	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از لس آنجلس آمریکا	از لین شو پیگ سوئد
۱۰۰۰ کرون	سورن از کپنهاگ دانمارک	از لین شو پیگ سوئد
۴۰ کرون	احداز آلمان دانمارک	کمک به زندانیان سیاسی از گوتنبرگ سوئد
۶۵ کرون	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی هامون و دامون از دانمارک	صلح (۴) از نور شو پیگ سوئد
۱۶۰ کرون	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از دانمارک	م. س. پ. از نور شو پیگ سوئد
۵۰۰ کرون	برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از گوتنبرگ سوئد	دوستان دران فدائیان خلق (اکثریت) از کالمار سوئد
۴۰۰۰۰ لیر	به یادر فیک انوش و دیگر شهیدان برای کمک به مبارزه داخل کشور آریو از ایتالیا	کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		کمک به واحدهای فدایی در ایران از لولثو سوئد
		به یادر انوش
		به یادر انوش

نقش احزاب کمونیست در اروپای غربی

بحثی میان دو نظریه پرداز کمونیست آلمانی

گئورگ فاولریت: من در مقاله ام در ماهنامه "اوراق مارکسیستی" نوشتم که آنچه امروز شاهد آنیم، یعنی کاهش نقش احزاب کمونیست در غرب، پدیده تازه ای نیست. احزاب کمونیست پیوسته دگرگونی هایی را از سر گذرانده اند. ما بارها شاهد آن بوده ایم که احزاب کارگری تبدیل به احزابی توده ای شده اند و آنگاه خصلت کمونیستی خود را از دست داده اند، بطوریکه نقش کمونیستها در این حزب تا حد یک فراکسیون کوچک درون حزب کاهش یافته است. اگر این نقش اقلیت پذیرفته و بدرستی ایفا شود، این موقعیت می تواند به لحاظ سیاسی موثر هم باشد. نمونه خوبی برای این امر نقش گروه اسپار تا کوس هنگام جنگ جهانی اول است. این گروه، جناحی بسیار کوچک و بسیار منفرد در یک حزب توده ای سوسیال دمکرات بود، حزبی که امپریالیسم آن را به انحراف کشانده بود. پس دگرگونی احزاب کمونیست، چیز تازه ای نیست. بنابراین وقتی من می گویم اینک باز زمان کوچک شدن حزب ما فرا رسیده است، این حکم نه به معنای پایان عمر جنبش کمونیستی است و نه به این معنی که دیگر هرگز حزب، توده ای نخواهد شد. من از افول موقتی و ظاهری سخن می گویم؛ پایان یک دوره هیچگاه به معنای افول قطعی نیست. تنها وقتی پایان این دوره را دریابیم، امکان آفازی نو وجود دارد. آنچه من در این رابطه بسیار از آن آگاه دارم، کاملاً بر وفق مراد جلوه دادن تضایست. یک نمونه بسیار ساده لوحانه از چنین برخوردی، این ادعاست که دگرگونی کنونی در اتحاد شوروی به داد احزاب کمونیست در غرب خواهد رسید. من به چنین چیزی اصلاً اعتقاد ندارم. برای ما اینکه بطور هیئتی در اتحاد شوروی چه می گذرد، تعیین کننده نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، این است که آیا چپ به اندازه کافی نیرومندست که بتواند این تحولات را در جای درست خود بنشانند؟ من گمان نمی کنم.

حال چند کلمه درباره قرارداد آی.ان.اف (سلاحهای میان برد هسته ای): من ادعای کنم که آنچه در واشنگتن و مسکو گذشت، دارای بسیاری از مشخصات آن چیزی است که لنین آن را تحمیل یک صلح امپریالیستی می نامید. لنین هیچگاه بر این نظر نبود که امپریالیسم نمی تواند صلح کند. برای مارکسیستها ثابت شده است که امپریالیسم توان صلح کردن را ندارد. لنین میان صلح خفقا - صلح دمکراتیک - و صلح امپریالیستی تفاوت قائل بود. جنگ جهانی اول با دو صلح امپریالیستی پایان یافت: صلح ورسای و صلح برست - لیتووسک. صلح برقرار شد و سلاحها خاموش شدند، اما این صلح با شرایط امپریالیسم تحمیل شد. ادعای من این است که قرارداد آی.ان.اف و مجموعه شرایط بین المللی همراه آن دارای مشخصات ویژه یک صلح امپریالیستی است. این بدین معنی نیست که من از اتحاد شوروی بخاطر تن دادن به این صلح انتقاد می کنم. خصلت صلح، به تناسب قوا بستگی دارد، و تناسب قوا طوری است که این صلح جدید دارای همه مشخصات یک "صلح آمریکایی" است. در چنین شرایطی من نمی توانم تصور کنم که احزاب کمونیست قادر باشند دقیقاً از همین

وضعیت برای تبدیل شدن دوباره به احزاب توده ای استفاده کنند. من شخصاً آرزو می کنم چنین نشود، زیرا اگر این روند طی شود، نقش تعیین کننده ای در انحطاط ایدئولوژیک احزاب کمونیست در غرب خواهد داشت. روندهای سیاسی داخلی در اتحاد شوروی - پرسترویکا و هلنیت - نیز به گمان من عواملی نیستند که ما بتوانیم از آن بسود خود بهره گیریم، زیرا ما بر اساس همبستگی ای که من آن را درست می دانم، یا از وضعیت قبلی دفاع و یا درباره آن سکوت کرده ایم. از این رو اگر ما اکنون هورا بکشیم و بگوئیم "پرسترویکا چه خوب است، هلنیت چه خوب است!"، یک فرد حتماً لازم نیست ضد کمونیست دو آتشه ای باشد که به ما بگوید: خوب دیگر، شما از هر توهش دفاع می کنید؛ اول برای برزنف هورا می کشیدید، حالا برای گارباچف. اینکه از این طریق چگونه می تواند هژمونی ایدئولوژیک کمونیستها حاصل شود، برای من به هیچ وجه روشن نیست. بخصوص اگر یک ساختار هژمون امپریالیستی موجود باشد، می توان از هلنیت، شتاب بخشیدن و نوسازی برداشتی بسود این ساختار نیز ارائه کرد. مثلاً چنین می گویند: پرسترویکا به چه معنی است؟ پرسترویکا به معنای دمکراتیزه کردن است، همان چیزی که ما در غرب مدتهاست آن را داریم. و یا اینکه شتاب بخشیدن را کاربست ایده سرمایه دارانه افزایش بازده قلمداد می کنند. من اکنون درباره خود آن چیزی که در اتحاد شوروی در جریان است سخن نمی گویم، بلکه تنها این نظر را دارم که ما بمشابه حزب کمونیست نمی توانیم از آن بهره برداری کنیم. من این را خیلی مثبت می دانم، زیرا ما باید امکانات ویژه خود را مدنظر قرار دهیم، و باید یک بار برای همیشه دست از تلاش کیک و آبر برای آموختن طرز راه رفتن دیگران برداریم.

حزب انقلابی و اصلاحات

یوزف فلائنفشتاین: بحث آغاز شده از سوی گئورگ در نشریه "اوراق مارکسیستی" از این ضرورت ریشه گرفته است که ما درباره موقعیت تاریخی کنونی خود باید به درک روشنی از موقعیت تاریخی خود برسیم. این، یک مسئله بین المللی است و تنها به حزب کمونیست آلمان (ح.ک.آ) مربوط نمی شود. به نظر من اینکه گئورگ در پایان سال گذشته در ماهنامه "اوراق مارکسیستی" ما را برانگیخت تا درک خود را بر پایه واقع بینانه تری قرار دهیم، بسیار مهم بود. این خدمت همچنین از این رو بسیار مهم است که گئورگ به واقعیت هایی اشاره کرده است که بخصوص برای مسن ترهای ما دردناک است، نسلی که پس از یک دوره طولانی ۱۲ ساله از مبارزه مخفی، امیدهای زیادی به تشکیل یک حزب کمونیست نوین و قانونی در آلمان فدرال بسته بود. ما می خواستیم پس از مدتها

ممنوعیت، حزب کمونیست گسترده تری بسازیم. موقعیت بسیار متناقض بود. از یک سو اوضاع جاری در چکسلواکی که به ورود نیروهای پیمان ورشو در سال ۱۹۶۸ انجامید، مانع راه ما بود. از سوی دیگر، جنبش ترقیخواهانه بسیار گسترده و همیتی وجود داشت، از جمله جنبش سندیکاها در مبارزه علیه قوانین وضعیت فوق العاده، و مهمتر از همه جنبش دانشجویی که در میان روشنفکران جوان بسیار گسترده بود. طبیعی است که در آن موقعیت امیدهای زیادی به تشکیل دوباره حزب ما بسته شده بود. سپس یک روند درناک پرداختن به امیدها و توهمات، به این انجامید که ما مدتها از تحلیل واقعیت هشیارانه و هاری از توهم جایگاه خود طفره رفتیم. من طرح بحث از سوی گئورگ را بدین گونه می بینم که او کوشیده است این وضع را تغییر دهد. بنابر این اختلافات ما نه در شناخت تحلیلی از وضعیت، بلکه بیشتر در این است که او به نظر من کوشیده است از موقعیت ناسامان ما در همین حال نوعی امتیاز بسازد. یعنی او از ضعف و افراد نسبی ما نتایجی می گیرد که ما را به کجراهه می برد، کجراهه ای که در آن حزب کمونیست در موقعیت کنونی که فعلاً تبدیل از به حزبی توده ای در تصور نمی گنجد، به اتخاذ مواضع انقلابی اکتفا می کند. از این رو استدلال اصلی من در برابر این تز او که "جوهر" ما در انقلابی بودن خلاصه می شود، این است که در دوره هایی که روشن است اهداف انقلابی را توده ها نه درک می کنند و نه همراه ما در راه آن می رزمند، ما باید بهترین "اصلاح طلبان" نیز باشیم. من می گویم: ما نباید منتظر زمان بهتری بمانیم، بلکه حتی اگر بدانیم یک حزب کوچکیم و فعلاً هم کوچک خواهیم ماند، نباید به افراد تن دهیم. در این رابطه، و نه تنها به لحاظ هدف انقلابی خود، باید در قیاس با دیگران اصلاح طلبان بهتری باشیم.

حال به نکاتی می پردازم که گئورگ در اینجا به آن اشاره کرد. فکر می کنم هلیرقم همه این اختلافات کسی نسبت به ضرورت وجود حزب ما ابراز تردید نمی کند...

احزاب کمونیست

و تحول در اتحاد شوروی

آنچه به تحول در اتحاد شوروی و نتایج حاصل از آن برای ما مربوط می شود، به نظر من نباید به تاثیر آنچه در اتحاد شوروی می گذرد و دارای اهمیت تاریخی - جهانی است، در دراز مدت کم بها داد. البته نباید انتظار تاثیرات بلافاصله و سریع را داشت. اما من به این امر آتقذر که گئورگ نومیدانه می نگرد، برخورد نمی کنم. این یک عامل بسیار تعیین کننده است که کارگران تا حد زیادی بر اساس وضع اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی درباره

می شود. حال که امروز ادب را رعایت کرده ام، اسم یکی را حزب توقف و نام دیگری را حزب جنبش می گذارم. به نظر من هر دو تفکر مرتکب یک اشتباه می شوند: هر دو معتقدند با شیوه های خاص و مهینی، اکنون امکان این هست که حزب

تبدیل به حزب توده ای بشود، در حالیکه من بر این نظرم که امکانات ذهنی برای اینکه در آینده قابل پیش بینی، تبدیل به یک حزب توده ای بشویم، وجود ندارد.

حال به ارزیابی خود از بحث درون حزب می پردازم.

درباره حزب توقف: ما باید از همه تلاشها برای احیای اشکال بسیار مورد عشق و هلاک خود، دست بکشیم. در حال حاضر، از این جمله است کاندیداتوری مستقل در انتخابات فدرال و ایالتی، ارست تلمان قادر به این کار بود، اما این کار امروز دیگر از عهده ما خارج است. این کار، نیرو می گیرد و بحثها را به سمت خطا می برد. اینکه هر چهار سال یک بار بحثی درباره انتخابات در بین ما در می گیرد، مصبانی کننده است، و حاصل آن هم بسیار حقیر است.

از این گذشته، گمان نمی کنم که ما نیازی به یک نشریه روزانه داشته باشیم. انتشار نشریه روزانه ما، به لحاظ مصرف کاغذ و لطمه به جنگل ها، مضر است، و به لحاظ ایدئولوژیک، وجود آن سودی در بر ندارد. وجود روزنامه، باعث عدم تناسب در نیرو های حزب می شود. من نمی توانم از روزنامه حزب خود دفاع کنم، و کمتر کسانی را می شناسم که قادر به دفاع از آن باشند. حال که یوزف می گوید ما باید از توهمات دردناک خلاصی یابیم، من می گویم برخی تناسب های مربوط به دوره تشکیل ح.ک. آ نیز از آن جمله است. ما در درون دستگاه حزب نیز به تجدید تناسب ها نیازمندیم. من نمی گویم دستگاه حزب ما بیش از حد بزرگ است، اما در آن، تا آنجا که به محورهای مضمونی مربوط می شود، تناسب ها درست نیستند، زیرا روشن است دستگاه حزب را با این هدف ساخته ایم که آنچه را که مربوط به یک حزب توده ای است، انجام دهیم. این درباره حزب توقف.

حل شدن در جنبشها

درباره حزب جنبش هم می خواهم چند کلمه بگویم. آنچه باید از آن دست بکشیم، حل کردن خودمان در جنبشهاست که بویژه همراه با کم بها دادن به مبارزه طبقاتی صورت می گیرد. وقتی نشریه معقوله می مانند "کنکرت" به ما انتقاد می کند که رفتار ما مثل یک حزب "اتهام بشری" است، یک جای کار ما هیب دارد. این انتقاد تا حدی درست است. رفقای حزب جنبش، حال که دریافته اند حزب تلمان را دیگر نمی توان احیا کرد، دچار افراط دیگری می شوند و می گویند: خیلی ساده است، خود را با تمام بشریت یکی می گیریم، آنوقت می شویم ۱۰۰ درصد. و آنگاه هر مسئله ای که بصورت مسئله نسل بشر بیان شود، مسئله ما نیز هست. این یک بیماری است که بطرز عجیبی در حال شیوع است. من در رابطه با این بحث، برخی نوشته های حاوی چنان خیالبافی هایی خوانده ام که اصلاً قادر به درک آن نیستم. یک نمونه، این ادعاست که گویا اگر موفق شویم بقیه در صفحه بعد

چه باید کرد و بویژه اینکه چگونه باید در لحظه مناسب مسئله قدرت را مطرح نمود. در بسیاری از موارد نیز می توان فراگرفت که چه نباید کرد و چه چیز مجاز نیست. این بطور مشخص بدین معنی است که ما باید روشن کنیم از آنچه انجام می گذرد چه چیز را ما می توانیم به کار بندیم و چه چیز برای ما قابل کار بست نیست. ما این کار را باید به بسیاری دلایل انجام دهیم، از جمله برای آنکه مدام دچار عقب ماندگی نشویم. مادر مورد مسئله نیروگاه های اتمی به عقب ماندگی عملی و نظری دچار شدیم، زیرا می بایستی پیوسته به واقعیات در کشورهای سوسیالیستی برخورد می کردیم. ترس من از این است که در مورد مسئله تکنولوژی ژنتیکی نیز چنین شود. ما باید بتوانیم از آغاز بگوئیم که ممکن است به موضع کاملاً روشنی در قبال تکنولوژی ژنتیکی برسیم، موضعی که در صورت اتخاذ راه مورد انتقاد ما از سوی کشورهای سوسیالیستی، با پراتیک آنها تفاوت خواهد داشت.

آیا می توان از سوسیالیسم انتقاد کرد؟

یوزف شلایفشتاین: گئورگ، تو درباره رابطه ما با کشورهای سوسیالیستی سخن گفتی. طبیعی است در مناسبات ما با احزاب کمونیست در کشورهای سوسیالیستی و نیز در سایر مناطق جهان، مناسب تر از همه این است که احزاب، انتقاد متقابل، از جمله انتقاد علنی را نه تنها تحمل، که تشویق نیز بکنند. من لازم می دانم که همه دراییم انتقاد از جانب دوستان، کمک بیشتری است تا سکوت از جانب دوستان. از این لحاظ من نیز با چنین رابطه نوینی موافقم. البته این کار در موقعیت تاریخی گذشته، بسیار دشوار بود، زیرا ما می بایستی واقعاً بدین می اندیشیدیم که چه چیز از لحاظ بین المللی برای جنبش کمونیستی سودمندتر است: اظهار نظر درباره برخی مسائل معین بدون اینکه خود احزاب برادر در مورد آن مسائل موضع بگیرند، یا نه.

می خواهم از دید خودم، موقعیت آن زمان را تشریح کنم: اساس رابطه ما با کشورهای سوسیالیستی را جهان بینی و اهداف مشترک ما تعیین می کند. از این رو ما همواره بر این نظر بوده ایم که با همسره دشواریها و مسائلی که در این کشورها می دیدیم، ابراز همبستگی و وظیفه ماست. ما به آنها باور داشته ایم، از جمله در ارزیابی وضعیت خودشان. آیا ما آگاهانه از قضاوت مستقل چشم پوشیدیم؟ به نظر من چنین نبود. اساس موضع ما این بود: ما آموزگاران احزاب کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورها نیستیم. آنها قادرند اشتباهات و کمبودهای خود را دریابند و بر آن غلبه کنند. به لحاظ اصولی من این موضع را با توجه به کارزار کین توزانه دائمی علیه کشورهای سوسیالیستی در آن موقعیت، درست می دانم. اینکه ما در جزئیات، خطاهای بسیاری مرتکب شدیم، انکارناپذیر است.

حزب توقف و حزب جنبش؟

گئورگ فولبرت: در رابطه با بحث درون حزب، باید بگویم که دو شیوه استدلال مشاهده

ما قضاوت کرده اند. ما جز آن که با کشورهای سوسیالیستی احساس همبستگی اصولی و تا حد معینی یگانگی بکنیم، راه دیگری نداشتیم. آنهایی که امروز جوآنند و سیاسی و چپ می شوند، طبیعی است که از اتحاد شوروی شناختی کسب می کنند که با ده سال پیش یا قبل از آن، متفاوت است. من بر این اساس به تحولی سمگین و تندرآسا امید نبسته ام. اما این روند، روندی است که به تسهیل کار یک پیشاهنگ آگاه کمک شایانی می کند. این روند، کار تئوریک و بویژه کار سیاسی ما را تسهیل خواهد کرد. از این رو پرسترویکا و هلنیت و ... - صرف نظر از تأثیرات تاریخی - جهانی خود، برای فعالیت آینده ما عوامل کم اهمیتی نیستند. و در رابطه با "صلح امپریالیستی"، ادعای گئورگ را به کلی نادرست می دانم. از لحاظ مدت تحلیل تاریخی نیز مقایسه او مطلقاً نابجاست. آیا می توان صلحی امپریالیستی تصور کرد که یک طرف عهده آن یک قدرت سوسیالیستی به مثابه قدرت جهانی باشد؟ صلح امپریالیستی بدین معنی است که مثلاً اتحاد شوروی یا تسلیم اجحاف آمریکا شود، یا نیروی نظامی خود را به سود امپریالیسم آمریکا تضعیف کند، و یا بر سر سایر کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای رهایی بخش ضدامپریالیستی، با ایالات متحده به معامله بنشیند. به گمان من، قرارداد آ.ی.ان.اف هیچ یک از این حالات را به همراه ندارد. بر این اساس به نظر من کاملاً نادرست است که آن را یک صلح امپریالیستی بنامیم. برعکس کاملاً ممکن است که بگوئیم سیاست بسیار واقع بینانه تر و انصاف پذیرتر اتحاد شوروی ایالات متحده را وادار به پذیرش عناصر یک سیاست صلح دموکراتیک می کند. هرگاه از اهداف جنبش صلح حرکت کنیم، آنچه تحقق یافته تنها یک آغاز است، اما به نظر من در روندهای کنونی آنچه تعیین کننده است، سمت تحول است. اینکه در همین حال عناصری از سازش با امپریالیسم در این روابط موجود است، به لحاظ تاریخی اجتناب ناپذیر است و ضمناً به سود همه ما نیز هست.

رابطه ای نو با سوسیالیسم

گئورگ فولبرت: از جمله وظایف سیاسی ما، رابطه ای متقابل تر و با صراحت تر با کشورهای سوسیالیستی است. رابطه ما با کشورهای سوسیالیستی، همبستگی بوده و هست. در گذشته، شکل این همبستگی در بسیاری موارد تحت تأثیر هدم آگاهی و هدم صراحت بود. گمان می کنم زمان آنگونه همبستگی دیگر گذشته است. تنها نکته ای از "موج گارباچف" که من آن را برای خود ما مثبت می دانم، این واقعیت است که وی با تهاجم سیاسی خارجی خود، احزاب کمونیست غرب را دقیقاً به آن نقش کوچکی رانده است که با پذیرش آن باید بگوئیم: ما اصلاً این مسئولیت بزرگ را نداریم که سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی شکست بخورد یا اینکه شکوفا شود. مسئولیت ما این است که دراییم موقعیت مقطعی کشورهای سوسیالیستی، حقیقت جاودانه نیست. البته روشن است که سوسیالیستی بودن این کشورها، باید حقیقتی جاودانه باشد. از این کشورها می توان دو چیز را آموخت: می توان فراگرفت که

اعاده حیثیت از بوخارین و ریکف



نیکلای بوخارین

شورای کمیسرهای خلق اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه بود. وی از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۵ در دفتر سیاسی عضویت داشت و کار همه جانبه‌ای در اجرای سیاست داخلی و خارجی حزب انجام داد. ریکف سهم بزرگی در تحقق عملی طرح لنینی تعاونی‌ها به عهده گرفت. گزارش کمیته کنترل حزبی سپس به اشتباهات سیاسی بوخارین و ریکف اشاره می‌کند. گزارش می‌افزاید بوخارین و ریکف در مبارزه سخت ایدئولوژیک در برخی موارد، مواضع خاصی پیرامون راهها و شیوه‌های ساختمان سوسیالیسم اتخاذ کردند، اما اشتباهات و مواضع ویژه آنها دارای خلعت ضد حزبی نبودند.

کنترل حزبی بر عضویت تامسکی در حزب از سال ۱۹۵۴ تا اکتوبر ۱۹۵۴ کمیسیون دفتر سیاسی، با اطلاع از گزارش کمیته کنترل حزبی، کار خود را ادامه داد. دفتر سیاسی ح.ک.ا.ش در اجرای تصمیم نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب تصمیم گرفت بنای یاد بودی برای قربانیان خودسری و سرکوبگری در سالهای کیش شخصیت احداث شود.

با توجه به این واقعیات، کمیته کنترل حزبی در بررسی عضویت بوخارین و ریکف به این نتیجه رسید که اتهامات وارده به آنها که به اخراج از حزب انجامید، بی‌پایه بوده است، هر دو دوباره به صفوف حزب پذیرفته شدند. کمیته همچنین مسئله عضویت م. تامسکی را بررسی کرد. وی نیز در دهه ۳۰ ماجرا اتهامات ناروا قرار گرفت و خودکشی کرد. کمیته

بوخارین و ریکف را به اعدام محکوم کرد. در همان زمان این احکام به اجراء آمد. دادگان عالی اتحاد شوروی در ۴ فوریه ۱۹۸۸ حکم مزبور را لغو کرد.

در گزارش اخیر کمیته کنترل حزبی ح.ک.ا.ش آمده است نیکلای بوخارین که از سال ۱۹۵۶ عضو حزب بوده و نیز آریکف، که از سال ۱۸۹۸ در حزب عضویت داشت، فعالانه در تدارک و انجام انقلاب اکتبر شرکت داشتند. آنها پس از پیروزی انقلاب، عهده دار مسئولیت‌های حساس در حزب و دولت شدند. بوخارین و ریکف از هیچ تلاشی جهت مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم فروگذار نکردند.

بوخارین از ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۴ عضو و از ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ عضو علی‌البدل کمیته مرکزی بود وی از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ در دفتر سیاسی عضویت داشت. بوخارین مدت‌ها سردبیر پروداو ایزوستا بود. اسناد تعدادی از کنگره‌ها و برنامه بین‌الملل کمونیستی که او شرکت فعال در آن داشت، تدوین شد. آریکف در سال ۱۹۲۱ معاون صدر و از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۵ صدر

بدنبال تشکیل جلسه کمیسیون دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش) به منظور تحقیق بیشتر پیرامون اسناد اتهامات سرکوبگرانه در سالهای ۳۰ و ۴۰ اعلام شد کمیته کنترل حزبی در جنب کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش، نیکلای بوخارین و آ. ریکف را بار دیگر به صفوف حزب پذیرفته است. شمار دیگری از کادرهای حزب نیز دوباره به عضویت حزب در آمدند. از آن جمله اند: آ. روزنگلاتنس، م. چرنف، ب. بولانف، و. ماگزیمف، دیگفسکی، و. ک. راکفسکی.

پلنوم کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش (بلشویک) در سوم مارس ۱۹۳۷ بر پایه اسناد ارائه شده از سوی کمیته‌سازای خلق برای امور داخلی، بوخارین و ریکف را از کمیته مرکزی و حزب اخراج کرده بود. اتهام بوخارین و ریکف، همدستی با فعالیتهای تروریستی و فعالیت ضد حزبی و جاسوسی و فعالیت ضد حزبی و مبارزه علیه لنین بود. دادگاه عالی اتحاد شوروی در ۱۳ مارس ۱۹۳۸ بر پایه مدارکی که در جریان بازپرسی جعل شده بودند،

نقش احزاب کمونیست...

بقیه از صفحه قبل

امپریالیسم را وادار به صلح کنیم، این کار خود یک گام بسوی سوسیالیسم است. در اینجا یک مسئله بسیار مهم، مسئله بقا را با مسئله ای کاملاً ویژه، یعنی نیل به سوسیالیسم، در می آمیزند. این، خطای حزب جنبش است.

آینازی به نشریه روزانه هست؟

یوزف شلایفشتاین: درباره مسائل درون حزبی مورد اشاره تو، باید بگویم تا آنجا که مربوط به سیاست انتخاباتی است، ما پس از بحث مبسوط و فراگیر درون حزبی، در کمیته مرکزی مصوبه‌ای گذراندیم.

به نظر من، ارزیابی تو از نشریه روزانه "هصر ما" بازتاب نظر یک روشنفکر است که بسیاری چیزهای دیگر می‌خواند و می‌تواند از همه جا اطلاعات کسب کند. اما من نظر تو، و همچنین نظر خودم درباره روزنامه را کاملاً بی اهمیت می‌دانم. آنچه اهمیت دارد، نظر فعالین در جنبشها و رفقای حوزه‌های پایه است. و هرگاه این را ملاک قرار دهیم، به نظر من به ارزیابی

ایفا کنیم، به عنوان **محورهای کار و تمرکز** پراتیک ما بر روی آنها، یعنی ما باید واقعا وظایف خود را در جهاتی هدایت کنیم که بیشترین بازده را داشته باشیم، در جهاتی که بنابر مواضع نظری و سیاسی خود، باید هم بیشترین بازده را داشته باشیم.

بنظر من ح.ک.ا. باید، از جمله تحت تاثیر پرسترویکا، با نزدیکترین همجواران سیاسی خود همکاری کند و از این زاویه بکوشد بحث گسترده تری با شرکت کمونیستها، سوسیال دمکرات های چپ و نیروهای اکوسوسیالیست (سوسیالیستهای طرفدار حفظ محیط زیست) آغاز کند تا بتواند کل چپ را تقویت کند.

۱- در مورد انرژی اتمی، سالها میان حزب کمونیست آلمان و سایر نیروهای ضد انحصاری اختلاف نظر بوده است. حزب کمونیست آلمان از اتخاذ موضع بر علیه انرژی اتمی بطور کلی، خودداری می‌کند.

۲- ارنست تلمان رهبر بر جسته حزب کمونیست آلمان تا سال ۱۹۳۳ بود. تحت رهبری وی، حزب نزدیک به ۳۰ درصد آرا را به دست آورد. تلمان در سال ۱۹۳۳ توسط فاشیستها بازداشت شد و پس از ۱۱ سال پایداری، در سال ۱۹۴۴ اعدام شد.

متفاوتی خواهیم رسید. گئورگ هزیز، یک گروه سیاسی مانند حزب ما که تا این حد با آن مبارزه و علیه آن افترا زنی می‌شود، به نوعی ارگان رسانه نیاز دارد که رفقا هر روز خود را در آن باز یابند، بتوانند هر روز یکپارچگی و فعالیت حزب را در آن بازتاب دهند و در آن، استدلالهای ساده‌ای بیابند، اینکه "هصر ما" از همه این کار بر می آید یانه، مسئله بزرگ ماست. به نظر من، این سؤال است که باید از رفقای حوزه‌های پایه کرد و نه از ما. با اینکه من خود سالها عضو هیات تحریریه بوده‌ام، اجازه قضاوت را به خود نمی‌دهم، زیرا من خود بخود بطور اجتناب ناپذیر از روزنامه بکلی انتظارات دیگری دارم تا یک کارگر کارخانه یایک کارمند یایک دانشجو.

از این گذشته، به نظر من مسائل درون حزبی ما را نمی‌توان در تضاد "حزب توقف" و "حزب جنبش" خلاصه کرد. با اینکه این جریانات موجودند، من در آنها درهم آمیختگی فزاینده‌ای می‌بینم. من در این رابطه بسیار مهم می‌دانم که ما تلاش کنیم دو چیز را تلفیق نماییم: **اولا واقع بینی** درباره امکانات خود ما. در این رابطه، "حزب جنبش" به همان اندازه بد است که "حزب توقف". ثانیاً تلاش برای تعیین کاملاً هشیارانه و مشخص هر صه‌هایی که ما در آن واقعا می‌توانیم سهم مهمی در کل روند سیاسی

جشنواره هنری علیه پینوشه

۲۲۴ هنرمند، دانشمند و سیاستمدار از ۲۶ کشور، از جمله گراهام گرین نویسنده انگلیسی، جردین چاپلین هنرپیشه آمریکایی، اتوره شولا کارگردان ایتالیایی، میکس تئودوراکیس آهنگساز یونانی و ارستو کاردینال شاعر و سیاستمدار نیکاراگوئه‌ای، با شرکت در یک جشنواره فرهنگی برای دموکراسی در سانتیاگو به موج اعتراض علیه رژیم پینوشه نیروی جدیدی بخشیدند. رژیم پینوشه از شرکت تعدادی از مدعوین در جشنواره جلوگیری کرد. از این جمله، می‌توان از هرمان کانت رئیس اتحادیه نویسندگان آلمان دمکراتیک نام برد.

انگیزه برگزاری جشنواره، هشتا دو چهارمین زادروز پابلو نرودا شاعر بزرگ خلق شیلی در روز ۱۲ ژوئیه بود. در روز سه‌شنبه ۱۲ ژوئیه پلیس رژیم پینوشه با حمله به تظاهرات هنرمندان در سانتیاگو، پنج تن از آنها را بازداشت و تظاهرات را متفرق کرد.

همزمان با برگزاری جشنواره هنری، ساکنان یک محله فقیرنشین سانتیاگو با راه انداختن یک "مارش گرسنگی" خواهان برکناری پینوشه شدند. پلیس با گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش به تظاهرات حمله ور شد و صدها رادستگیر و ۶ نفر را مجروح کرد. عکس، گوشه‌ای از خشونت پلیس علیه تظاهرات زنان زحمتکش را در روز دوشنبه ۱۱ ژوئیه نشان می‌دهد.

سانتیاگو پایتخت شیلی در روز پنجشنبه ۳۰ ژوئن نیز شاهد تظاهراتی به دعوت اتحادیه سندیکایی سان. ب. (رهبری ملی زحمتکشان) بود. پلیس با گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش به این تظاهرات حمله و آن را متفرق کرد.



تشدید بحران در قره‌باغ

شورای نمایندگان خلق منطقه خود مختار قره‌باغ در آذربایجان شوروی، در روز سه‌شنبه ۱۲ ژوئیه در اجلاس خود در شهر استپاناکرت مرکز این منطقه، مصوبه‌ای به جانب‌داری از خروج این منطقه از قلمرو جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، گذرانده این اجلاس، کمیته اجرایی شورای منطقه را مأمور کرد رسماً تغییر نام منطقه را به "منطقه خودمختار ارمنی آرتساخ" تقاضا کند.

به دنبال این تصمیم شورای قره‌باغ، هیات رئیسه شورای عالی آذربایجان در همان روز، مصوبه قره‌باغ را مغایر با قانون اعلام، و آن را لغو کرد.

به گزارش خبرگزاری تاس، هلیزقم فراخوان شورای منطقه قره‌باغ خطاب به مردم این منطقه برای از سرگیری کار، در روز چهارشنبه همه واحدهای صنعتی شهر استپاناکرت تعطیل بودند. وسایط نقلیه هم‌ومی نیز کار نمی‌کردند. فروشگاه‌ها و واحدهای خدماتی بسته بودند. در مصوبه هیات رئیسه شورای عالی آذربایجان، شورای منطقه قره‌باغ متهم به نقض اصول قانونیت و لازم‌الاجرا بودن تصمیمات

تظاهرات برای افزایش حداقل دستمزد در شیلی صورت گرفت. شمار زیادی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات بازداشت شدند. در مقابل یورش پلیس، نوجوانان کوشیدند با پرتاب سنگ و سنگ‌سازی از خود دفاع کنند. حزب کمونیست شیلی در بیانیه‌ای از مردم دعوت کرد در همه پرس‌سیستم‌ها آینده درباره ریاست جمهوری، به ادامه زمامداری پینوشه رای منفی دهند. در این بیانیه آمده است رای منفی به ادامه ریاست جمهوری پینوشه به معنای ایجاد زمینه محو دیکتاتوری است.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بحرین

"جمعیت دفاع از حقوق بشر در بحرین" اعلام کرد از روز سوم ژوئن، زندانیان سیاسی بحرینی متهم به عضویت در جبهه رهایی‌بخش ملی بحرین، که در ۳۰ اکتبر ۱۹۸۷ محکوم شده‌اند، دست به اعتصاب غذا زده‌اند. خواست زندانیان، پایان دادن به رفتار توهین‌آمیز پلیس و به رسمیت شناخته شدن آنها به عنوان زندانی سیاسی است. زندانیان همچنین خواستار ملاقات منظم با بستگانشان، دسترسی به کتاب و نشریات و قطع حبس انفرادی شده‌اند.

جمعیت دفاع از حقوق بشر در بحرین از محافل جهانی خواسته است با ارسال تلگرام‌های اعتراض به نخست‌وزیر و وزیر کشور بحرین، از خواستهای زندانیان سیاسی بحرین پشتیبانی کنند.

اخراج سفیر آمریکا از نیکاراگوئه

سفیر آمریکا در نیکاراگوئه همراه با هفت دیپلمات دیگر آمریکایی به علت فعالیت‌های ضد دولتی از این کشور اخراج شدند. بدنبال این اقدام نیکاراگوئه، دولت آمریکا نیز سفیر و هفت دیپلمات دیگر نیکاراگوئه را از ایالات متحده اخراج کرد.

به گفته سر جیو رامیرز معاون رئیس‌جمهور نیکاراگوئه، مدارکی بدست آمده است که حاکی از شرکت کارکنان سنارت ایالات متحده در نیکاراگوئه در یک تظاهرات ضد دولتی در روز یکشنبه ۱۰ ژوئیه است.

از میان دیگر رویدادها

● دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده ویژه‌ای برای حل سیاسی مسئله کامبوج به جنوب خاوری آسیا فرستاد. مأموریت این فرستاده، یافتن راه حلی برای احیای صلح و ثبات در این منطقه است.

● در حمله تروریست‌ها به یک کشتی یونانی، ۹ تن از مسافران این کشتی به قتل رسیدند. مقامات یونانی اعلام کرده‌اند هنوز تحقیق درباره هایلان این حادثه به نتیجه نرسیده است. تروریست‌ها توانستند پس از ارتکاب عمل بگریزند.

● میخائیل گارباجف دیدار چهارروزه‌ای از لهستان به عمل آورد. وی از سوی مردم این کشور به گرمی استقبال شد. گارباجف حمایت کشورش را از تلاش‌های رهبری لهستان برای انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی در این کشور اعلام کرد.

● مایکل دوکاکیس کاندیدای حزب دمکرات آمریکا برای احراز ریاست جمهوری، سناتور لوید بنتن سیاستمدار راستگرا را به عنوان نامزد معاونت رئیس‌جمهور معرفی کرد. این اقدام مورد اعتراض جسی جکسون سیاستمدار سیاه‌پوست حزب دمکرات قرار گرفت. جکسون پس از دوکاکیس بیشترین طرفدار را در میان رای‌دهندگان به حزب دمکرات دارد و مطابق یک سنت، باید به عنوان نامزد معاونت رئیس‌جمهور معرفی شود.

ارگانه‌های بالاتر شده است. این مصوبه می‌افزاید شورای قره باغ بطور آشکار نظم ملی - دولتی جمهوری آذربایجان را که در قانون اساسی اتحاد شوروی و جمهوری آذربایجان تشریح شده است، زیر پا گذاشته است و این امر، لطمه سنگینی به نوسازی در آذربایجان وارد آورده، توجه مردم را از حل مسائل حاد رشد اجتماعی و اقتصادی، منحرف می‌کند. در ادامه مصوبه آمده است تصمیم شورای قره باغ مانع تحقق عملی مصوبه کمیته مرکزی حزب کمونیست و شورای وزیران اتحاد شوروی در باره تدابیری جهت شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی و اقتصادی منطقه خودمختار قره باغ در سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۵ می‌شود.

به گفته سخنگوی وزارت خارجه شوروی، شورای عالی جمهوری ارمنستان که در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۸ از پیوستن منطقه قره باغ به ارمنستان جانب‌داری کرده بود، در روز ۱۸ ژوئیه بار دیگر پیرامون این امر تشکیل جلسه خواهد داد. همچنین به گزارش خبرگزاری‌ها، به زودی شورای عالی اتحاد شوروی نیز به بررسی مساله خواهد پرداخت.

افکار عمومی جهان آمریکا را محکوم می کند

می شود که شورای امنیت در این زمینه قطعنامه ای انتشار ندهد. جمهوری اسلامی می کوشد در تبلیغات خود از این موضوع برای تخطئه کردن تلاشهای سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ، بهره برداری کند.

۲۹۰ نفر قربانی حمله موشکی آمریکا به هواپیمای مسافری شدند (در آغاز تعداد قربانیان تا ۳۰۰ نفر ذکر شده بود).

در هفته گذشته اعلام شد که دولت آمریکا به خانواده های قربانیان خسارت پرداخت خواهد کرد. ناظرین سیاسی و مطبوعات عمده بین المللی اقدام آمریکا را بیشتر دلجویی از دولت ایران میدانند تا خانواده های قربانیان حادثه. فیتز جرال، سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید، صراحتاً بر این نکته تأکید کرده است.

در هفته گذشته نیز بحث و بررسی پیرامون حمله موشکی ناوگان جنگی آمریکا به هواپیمای مسافری ایران در مطبوعات بین المللی و مجامع سیاسی ادامه داشت. تناقض گویی های مکرر مقامات آمریکایی پیرامون این حادثه، انزجار بیشتری را در سطح بین المللی نسبت به این اقدام جنایتکارانه برانگیخت. افکار عمومی جهان، به شکلهای مختلف این اقدام را محکوم کرد. مقامات آمریکا، پس از مدتی تناقض گویی، همه روی این تم همزبان شدند که این اقدام را یک واکنش دفاعی جلوه دهند، واکنش دفاعی در برابر یک هواپیمای مسافری!

جرج بوش معاون نماینده آمریکا در جلسه شورای امنیت سازمان ملل، که به منظور بررسی این حادثه برگزار شده بود، بر همین نظم پای فشرد. پیش بینی

اقدامات اعتراضی در شهرهای آمریکا علیه جنایت سرنگون ساختن هواپیمای ایرانی نیویورک

ایستادهای در مقابل ساختمان فدرال برپا شد در این تظاهرات که قریب ۱۵۰ نفر در آن شرکت داشتند، جنایت کشتار ۲۹۷ نفر سرنشینان هواپیمای مسافری توسط آمریکا و حضور ناوگان این کشور در خلیج فارس محکوم گردید. این تظاهرات که با شرکت گروه ها و شخصیت های مختلف انجام یافت در رسانه های گروهی بازتاب وسیعی داشت.

میشیگان

علیه جنایت هولناک کشتار ۲۹۷ انسان بی گناه که با پرتاب موشک به سوی هواپیمایی مسافری ایران توسط ناوگان آمریکا در خلیج فارس به وقوع پیوست در میشیگان آمریکا نیز تظاهراتی انجام یافت. در این تظاهرات دهانفر از شهروندان آمریکایی نیز شرکت داشتند. هواداران سازمان در این تظاهرات ضمن محکوم کردن جنایت هولناک آمریکا جمهوری اسلامی را بخاطر ادامه جنگ و زمینه سازی حضور نظامی آمریکا در منطقه، شریک این کشتار اعلام کردند.

دالاس

روز ششم ژوئیه در شهر دالاس تظاهراتی علیه اقدام فاجعه بار آمریکا برگزار شد. خبر این تظاهرات که ده ها تن از ایرانیان مقیم این شهر از جمله هواداران سازمان مادر آن شرکت داشتند، از روزنامه های محلی بازتاب یافت.

سانفرانسیسکو

به دعوت کمیته صلح و دموکراسی در ایران و کمیته همبستگی با مردم ایران، در روز ۵ ژوئیه تظاهرات

پیشنهاد شوروی

برای تشکیل اجلاس سران کشورهای اروپایی

فهرهستهای در جریان است، اما هیچ نتیجه ای به بار نیآورده است. دولتهای اروپایی قریب تاکنون در مورد پیشنهاد جدید گارباچف سکوت کرده اند. اما احزاب سوسیال دمکرات این کشورها، این پیشنهاد را مفید و سازنده خوانده، از آن استقبال نمودند.

لازم به یادآوری است دولتهای غربی همواره علت عدم موافقت خود با کاهش سلاحهای هسته ای در اروپا را وجود تسلیحات غیرهستهای قلمداد کرده اند. پیشنهاد جدید شوروی، گامی در جهت تمرکز نیرو برای پیشبرد امر خلع سلاح در عرصه سلاحهای غیر هسته ای محسوب می شود و اگر اجرا گردد، زمینه ساز از میان رفتن بهانه ها بر سر راه خلع سلاح هسته ای خواهد شد.

میخائیل گارباچف رهبر شوروی در جریان دیدار هفته گذشته خود از لهستان ابتکار صلح جدیدی را از سوی رهبری کشورش اعلام داشت. وی پیشنهاد کرد سران همه کشورهای اروپایی و نیز ایالات متحده، برای مذاکره پیرامون کاهش سلاحها و نیروهای غیر هسته ای در اروپا، در یک کنفرانس گرد هم آیند. گارباچف افزود اتحاد شوروی آماده است تا از نیروهای خود که در اروپای شرقی مستقرند، بکاهد.

پیشنهاد شوروی از سوی دولت آمریکا مورد استقبال قرار نگرفت. سخنگوی دولت ریگان مدعی شد که پیشنهاد جدید گارباچف برای انحراف اذهان از گفتگوهای وین انجام می گیرد. سالهاست که در وین مذاکراتی در سطح کارشناسان برای کاهش تسلیحات

نقش احزاب کمونیست در اروپای غربی

یوزف هلایفشتاین، تاریخدان و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان فدرال و برگرفته از روزنامه "مصرما"، ارگان حزب، شماره ۶ ژوئیه ۱۹۸۸ است. فولبرت و هلایفشتاین در این باره به بحث می پردازند که چرا حزب کمونیست آلمان فدرال به مثابه وارث حزبی که تا پیش از ممنوع شدن، گاه تا ۴۰۰ صدآرای رای دهندگان رابه خود اختصاص می داد، امروز در آلمان فدرال نمی تواند نقشی قاطعی در تحولات ایفا کند. بازتاب این واقعیت، تجاوز نکردن آرای حزب از ۲٫۵ درصد است. بته در صفحه ۱۲

مدتی است که در صفحات ماهنامه "پوراق مارکسیستی"، ارگان تئوریک حزب کمونیست آلمان فدرال، بحث گسترده ای پیرامون نقش، جایگاه و امکانات مبارزاتی احزاب کمونیست در کشورهای سرمایه داری و بویژه موقعیت حزب کمونیست آلمان فدرال انجام می گیرد. این بحث با مقاله ای به نوشته پروفسور گئورگ فولبرت آغاز شد و سپس شمار دیگری از تئوریسین های حزب کمونیست فدرال به بحث درباره تزه های مطرح شده در مقاله فولبرت پرداختند. گفتگویی که در این شماره می آوریم، متن مباحثه گئورگ فولبرت با پروفسور

AKSARIYAT
NO. 216
MONDAY, 18 JUL, 88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA. WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

یا جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید